



فصلنامه علمی، فرهنگی، پژوهشی بشری
سال دوم، شماره ۶، تابستان ۹۶

مکتب مولانا محمد علی امین

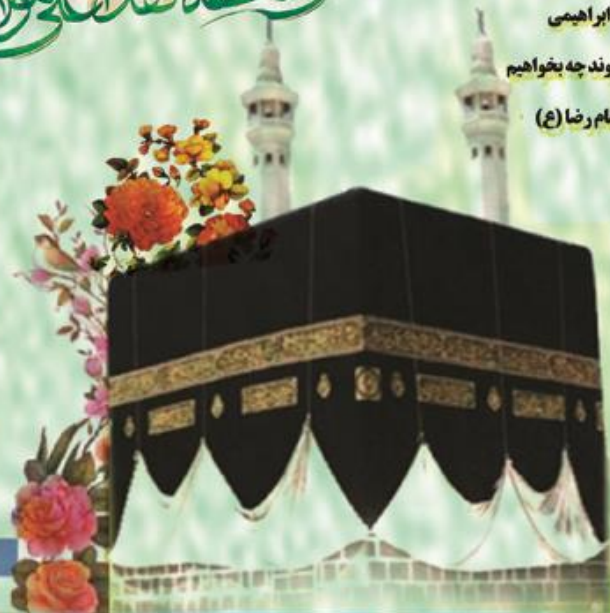
یار یافتگان حضور حضرت مهدی (عج)

ستاره ها همه بی تاب دین دامت

ویژگی های حج ابراهیمی

هنگام دعا از خداوند چه بخواهیم

همه حرف های امام رضا (ع)





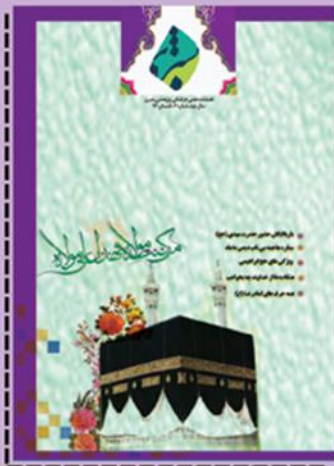
دوست دارم نگات کنم تو هم منو نگاه کنی
من تو رو صدا کنم تو هم منو صدا کنی
قربون صفات برم از راه دوری اومدم
جای دوری نمی ره آگه به من نگاه کنی
دل من زندونیه تویی که تنها می توفی
قفس و واکنی و پرند رو رها کنی
می شه کنج حرمت گوشه قلب من باشه
می شه قلب من و مثل گنبد طلا کنی
تو غریبی و منم غریم اما چی می شه
این دل غریبه رو با دلت آشنا کنی
دوست دارم تو ایون آینه ات از صبح تا غروب
من یا تو صفا کنم تو هم منو دعا کنی
دلو گره زدم به پنجره دارم می رم
دوست دارم تا من میام زود گره ها رو وا کنی
دوست دارم که از حالا تا صبح محسّر همیشه
من رضا رضا بگم تو هم منو صدا کنی
چی می شه آگه منو راهی کربلا کنی
یا علی موس الرضا می شه به من نگاه کنی
اونقله رضا می گم تا دردمو دوا کنی





فهرست مطالب

- ۲ سخن سر دبیر
- ۳ ای بهترین امید بخش
- ۸ بار یافتگان حضور حضرت مهدی (عج)
- ۱۴ صاحب القدر
- ۱۵ همه حرف های امام رضا (ع)
- ۲۲ ویژگی های حج ابراهیمی
- ۴ دین اسلام و ارزش تبلیغ
- ۲۶ نشانه های امام
- ۲۸ ستاره ها همه بی تاب دین دامت
- ۳۰ هنگام دعا از خداوند چه بخواهیم
- ۱۸ در فصل تابستان از چه غذاهایی باید پرهیز کرد
- ۱۹ کاهش بوی بد بدن در تابستان
- ۱۰ امنیت همه جانبه
- ۲۰ ازدواج آسان روش و منش معصومین (ع)
- ۱۶ زبان مقاله
- ۷
- ۲۲ اخبار فرهنگی
- ۲۴ اخبار پژوهشی
- ۳۶ غدیر تجلی گاه ولایت



صاحب امتیاز: مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)

مدیر مسئول: زهرا معصومی

سر دبیر: نسیم دهقان

طراحی و صفحه آرایی: نسیم دهقان

هیأت تحریریه: خواهران دهقان، بهادری، قربانی، کمال

درهبر، صادقی، رحیمی، دهقلی، هادیزاده

آدرس: فارس، داراب، بلوار جمهوری

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)

تلفن: ۰۷۱۵۳۵۴۴۶۱

پست الکترونیکی: nashr.boshra@gmail.com

نشریه بشری از آثار شما استقبال می کند.





به نام پروردگار هستی آفرین

با عرض سلام و ادب خدمت تمامی خوانندگان نشریه بشری
شکر و سپاس بی منتها، خدای بزرگ را که ما را از شیعیان و پیروان
اهل بیت علیهم السلام قرار داد و به صراط مستقیم ولایت مولای
متقیان امیر مؤمنان، علی ابن ابی طالب علیه السلام هدایت نمود
و بهترین تحیت و درود بر روان پاک پیامبر عالی قدر اسلام
و بر اهل بیت عصمت و طهارت
در اینجا لازم می دایم تمام اعیاد پیش رو از دهه کرامت تا اعیاد
میلاد ذی الحجه به ویژه عید غدیر خم (تجلی گاه ولایت) را
خدمت همه دوستان تبریک عرض نمایم
به حول و قوه الهی و در زیر سایه الطاف الهی اظهار علیهم السلام
ششمین فصلنامه بشری را خدمت دوستان تقدیم می داریم.
در پایان از همکاران این شماره که نهایت سعی خود را در آماده شدن
آن کردند، نهایت تشکر را داریم.



خدایا! هر چند در آمدن به سویت توشه ام اندک است ولی گمانم بر توکل به تو همواره نیکو است.

و هر چند گناهم مرا از عذاب تو به هراس افکنده ولی چشم امیدم ایمنی از انتقامت را به من خبر می دهد.

و هر چند نافرمانی ام مرا را در معرض عذاب قرار داده ولی حسن اعتماد مرا به پاداش نیکت آگاهی می دهد.

و هر چند بی خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب غفلت انداخته ولی آشنایی به کرم و عطاهایت مرا بیدار نموده است.

و اگر زیاده روی در گناه و سرکشی، میانه من و تو را تیره ساخته ولی مزده امرزش و خشنودی ات با من انس گرفته است.

از تو می خواهم به درخشش های جلوه ات و به انوار قدست.

و هم به سویت زاری می کنم به عواطف مهتر و لطایف احسانت که تحقق بخشی گمانم را در آنچه از تو آرزومندم از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرب به تو و نزدیکی به درگاهت و بهره مندی از نگاه به سویت.

هم اینک متعرض نسیم های رحمت و توجه تو، و خواهان باران جود و لطف بی پایان تو می باشم.

و از خشمیت به سوی خشنودی ات گریزان.

و از تو به سوی خودت فراری ام.

نیکوترین چیزی را که نزد توست امید دارم.

بر بخشش هایت اعتماد می نمایم.

به عنایتت نیازمندم.

خدایا! آنچه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان.

و آنچه را از کرمیت به من دادی از من مگیر.

و آنچه را با بردباری ات بر من پوشاندی آشکار مکن.

و آنچه را از زشتی کردارم دانستی بپامرز.

خدایا! از تو به تو شفاعت می جویم، و از تو به تو پناهنده می شوم.

با امید بسیار به احسانت به سوی تو آمدم، به خوبی هایت که بر من منت گذاری دل بسته ام، به فراوانی کرمیت تشنه ام، ابر فضلت را باران طلبم، خشنودی ات را خواهانم، آهنگ استنانت را دارم، به جویبار عطایات وارد آمدم، برترین خیرات را از پیشگاهت خواهشمندم، به جلب حضرت جمالت روانم، ذلت را اراده دارم، کوینده در رحمتت هستم، در مانده ام در برابر شکوه و جلالت.

با من از امرزش و رحمت آنگونه کن که شایسته اتی و نه آنگونه که سزاوار عذاب و انتقامم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربان

مناجات مشفقان (مناجات الفریقین)



دین اسلام



مبلغان مرزداران اندیشه های دینی و فرهنگی جامعه هستند. آنچه در کلام و قلم و هنر این سفیران سعادت موج می زند، بیدارگری نسل های امروز و فرداهاست و تبلیغ، هنری است جاودانه که با تلاش پی گیر مبلغان بر تابلوی هستی به نمایش در می آید. در این میان تبلیغ دینی از اهمیت شایانی بر خور دار است.

اسلام، کامل ترین شریعت آسمانی، با تبلیغ متولد شد و بقاء و جلودگی آن نیز در سایه سار تبلیغ مبلغان و هدایت گران مذهبی به وجود خواهد آمد از این رو آشنایی مبلغان فرهیخته و وارسته ی عرصه ی دین باوری با شیوه های گوناگون تبلیغی در سراسر گیتی امری ضروری است. آگاهی از ابزارهای تبلیغ و جدیدترین شیوه ها و روش ها به مبلغان این امکان را خواهد داد که افزون بر هدایت جامعه ی اسلامی به سوی سعادت و سلامت دینی، از ورود افکار و اندیشه هایی که بر مبنای دین گریزی و یا دین ستیزی است ممانعت به عمل آورند.

قرآن اعلام فرمود که ابلاغ اصلی ترین مسؤولیت پیامبران است به عنوان نمونه در سوره مبارکه مائده چنین آمده است: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و از گناهان بر حذر باشید پس اگر روی گردانید، بدانید که بر عهده پیامبر ما، فقط رساندن پیام آشکار است.»

در سوره مبارکه نحل اعلام کرد که پیامبران وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارند: «فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران (وظیفه ای) است؟ در سوره احزاب از کسانی تمجید شده که پیام های خداوند را بدون هیچ ترس و بیمی، به گوش مردم می رسانند: «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا

يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ هَٰمَانِ كَسَلَتْهُ أَنْ يَبْلُغَ الْبَلَاغَ وَلَا يَخْشَىٰ اللَّهَ الْكَبِيرَ» از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند» از سویی دیگر، مطالعه زندگی پیامبران نشان می دهد که آنان در آغازین صف تبلیغ دینی قرار داشته و دمی در این زمینه نیاسودند به عنوان نمونه نوح از جمله پیامبران اولوالعزمی است که قریب به هزار سال شبانه روز برای هدایت امت خود که به بت پرستی روی آورده بودند، کوشید. لوج کوشش و تلاش بی وقفه نوح در این زمینه، در آیت ذیل منعکس شده است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا - ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهْرًا ثُمَّ إِنِّي أَهْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» نوح گفت: «پروردگارا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم و دعوت من جز بر گریزشان نیفزود. سپس من آشکارا آنان را دعوت کردم. باز من به آنان اعلام نمودم و در خلوت و پوشیده نیز به ایشان گفتم.»

مفهوم این آیات آن است که نوح (ع) امت خود را طی این هزار سال در شب و روز به صورت آشکار و پنهان و در همه اوقات و حالات به هدایت دینی و اخلاقی دعوت می کرده است.

افزون بر قرآن، در روایات اهل بیت (ع) نیز بر جایگاه تبلیغ دین و نقش آن در هدایت و تربیت مردم تأکید شده است: به عنوان نمونه رسول اکرم (ص) در این باره فرمود: «خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَحَبَّ عِبَادَةَ إِلَهِهِ؛ بهترین امت من کسی است که (مردم را) به سوی خدای متعال فرامی خواند و بندگان را نزد خداوند محبوب می کند.»

آن حضرت در جایی دیگر از مبلغان حدیث و سنت با عنوان جانشینان خود یاد فرمود: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خَلْفَتِي! - تَلَا - قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خَلْفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي، ثُمَّ يُعَلِّمُونَهَا أُمَّتِي» خداوند! جانشینان مرا رحمت کن! پیامبر سه بار این دعا را بر زبان جاری کرد. پرسیده شد: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی

و ارزش تبلیغ



هستند؟ فرمود: کسانی که حدیث و سنت مرا تبلیغ می کنند و آنها را به امت من تعلیم می دهند.»

در روایت دیگر از آن حضرت چنین آمده است: «با برای شما درباره اقوامی گفتگو کنم که پیامبر یا شهید نیستند و در عین حال در روز قیامت پیامبران و شهیدان به منزلت آنان که بر منبرهایی از نور قرار دارند، غبطه می خورند؟ گفته شد: ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان خداوند را نزد خداوند محبوب می کنند و خداوند را نیز نزد بندگان محبوب می سازند. پرسیدیم: معنای محبوب ساختن خداوند نزد بندگان را درمی یابیم؟ اما آنان چگونه خداوند را نزد بندگان محبوب می سازند؟ پیامبر فرمود: آنان مردم را به آن چه محبوب خداوند است، فرمان می دهند و از آن چه ناپسند خداوند است، باز می دارند و هنگامی که مردم خداوند را اطاعت کنند، خداوند آنان را دوست خواهد داشت.»

در بخشی از نامه امام باقر(ع) به سعد الخیر چنین آمده است: «ای برادر! خداوند متعال در هر یک از پیامبران، سرمایه های ماندگاری از اهل علم قرار داده است که گمراهان را به سمت هدایت دعوت می کنند و در مسیر این دعوت از راه را برمی تابند، دعوت الهی را اجابت می کنند و به سوی خداوند دعوت می کنند. آنان را دریاب، خدا تو را رحمت کند! آنان گر چه در دنیا در چشمها کوچک به نظر آیند، دارای منزلتی بلند هستند. آنان با کتاب الهی مردگان را زنده می کنند و با نور الهی برای نابینایان از حقیقت، بینایی می آفرینند و ما چه بسیار کشته های لیلیس که توسط آنان زنده شدند و چه بسیار سرگردان گمراهی که بدست آنان هدایت یافتند! آنان جان را برای جلوگیری از هلاکت مردم فدا می کنند و چقدر زیباست آثار و برکات آنان برای مردم و چه زشت است برخورد مردم با آنان.»

بشارت هایی که در این روایت برای مبلغان دینی آمده و ستایشی که از نقش و جایگاه آنان شده، بسیار شگفت آور است. امام باقر(ع) در این روایت نیز، از مبلغان دینی با عنوان «بقایای پیامبران»، کسانی که دارای منزلت رفیع اند و زنده کنندگان کتاب الهی یاد کرده و آنان را کسانی دانسته است که کشته های لیلیس را زنده می کنند و گمراهان را هر چند با فداکردن جان خود، به مسیر هدایت رهنمون می شوند.

در سخنی از پیامبر اکرم «صلوات الله علیه»، هدایت انسان ها از هر آنچه خورشید بر آن بتابد، برتر و از ویژگی های شیعیان شمرده شده است. ۱

۲) طبق حدیثی دیگر، مبلغ دین و شریعت با آن حضرت، محشور خواهد شد. ۲

همچنین در روایتی از امام باقر علیه السلام، عالم به دارنده شمعی تشبیه شده، که با نور علم خود، مردم را از ظلمت جهل بیرون می آورد و در سخن منقول از حضرت علی علیه السلام، چنین شخصی در روز قیامت با ناجی از نور، محشور خواهد شد.

در احادیث متعددی آمده که پائین عالمان و مبلغان دین، بسیار عظیم است. ۳

۴) ابن ابی الحدید تعبیر «لَقَدْ عَلَّمْتُ تَبْلِیغَ الرِّسَالَةِ» را که حضرت علی علیه السلام به کار برده، به معنای تبلیغ شرایع، بعد از وفات رسول اکرم صلوات الله علیه دانسته است. ۴

۵) مجلسی نیز عبارت «أَيُّهَا بَجَلْبِهِ» را در خبر مشهور به توحید مفضل، از امام صادق علیه السلام این گونه معنا کرده که خداوند به امامان جانشین پیامبر، قدرت تبلیغ رسالت پیامبر صلوات الله علیه را داده است. ۵



پی نوشت

۱. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۲، ص ۷۰۰ و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، ص ۲۱۷.
۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳.
۳. لؤلؤ العزیزة فی الاحادیث القدیة، ج ۱، ص ۱۸. و منیة المرید فی ادب المعیاد و المستفید، ص ۱۴۱۱۹، و بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶.
۴. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۸۸.
۵. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۱.

روحانیون و علمای اسلام در تبلیغ دین اسلام نقش مهمی ایفا می کنند، اهمیت این نقش در روایات رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - از علمای دین به عنوان وارث پیامبران، برتر از پیامبران بنی اسرائیل، دزهای اسلام، آنانکه با وفاتشان در دین شکافی ایجاد می شود و اینکه از جانشینان رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - و در روایات اهل بیت - علیهم السلام - نیز از آنان به زمامداران مردم، آنانکه مجاری امور و مدیریت جامعه در دست آنهاست و - تعبیر شده است.

اهمیت تبلیغ و اشاعه فرهنگ دینی مورد توجه فراوان علمای بزرگ اسلام قرار گرفته است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

مرحوم شهید مرتضی مطهری در مورد مقام تبلیغ در اسلام فرموده اند: «گر بگویم مقام تبلیغ اسلام، رساندن اسلام به عموم مردم، معرفی و شناساندن اسلام به صورت یک مکتب از مرجعیت کمتر نیست، تعجب نکنید».

همچنین حضرت امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «با این همه تبلیغات علیه ما، ما هم باید تبلیغات داشته باشیم. امروز تبلیغات یک ویژگی خاص دارد و بر همه لازم است که تبلیغات کنند، تبلیغات داخلی برای اینکه میادای خدای نخواستہ مردم تحت تأثیر تبلیغات سوء ابرقدرتها واقع شوند و بالاتر از او تبلیغات در خارج باید باشد».

در جایی دیگر ایشان فرموده اند: «تبلیغات از صدر اسلام تا ابد یکی از اموری است که اسلام بر آن پافشاری کرده است و در این زمان که ما هستیم یک اولویت خاصی دارد».



تبلیغ و اطلاع رسانی دینی

اول تبر به عنوان روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی نام گذاری شده است که در این مورد احادیث فراوانی از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است.

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله :

یا علی، لَنْ یَهْدِیَ اللّٰهُ عَلٰی یَدَیْکَ رَجُلًا خَیْرَ لَّکَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ.

ای علی! اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده برای تو بهتر است.^۱

عفاف و حجاب

۲۱ تبر روز عفاف و حجاب نام نهاده شده است که در ذیل حدیثی از امام صادق (ع) آورده شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: (روز قیامت) زن زیبا را که به خاطر زیبایی اش در فتنه افتاده است و قریب زیبایی اش را خورده (و به بی حجابی و بی عفتی و گناه آلوده شده)، برای حساب می آورند، پس به خدا می گویند: خدایا! تو خود مرا زیبا خلق کردی و به سبب آن در فتنه افتادم. پس حضرت مریم (سلام الله علیها) را حاضر می کنند و ندا داده می شود: آیا تو زیباتری یا مریم؟ ما او را در نهایت زیبایی آفریدیم، اما او گناه نکرد.^۲

روز پزشک، داروسازی و اهدای خون

۹ مرداد، روز اهدای خون، اول شهریور، روز پزشک (بزرگداشت ابو علی سینا) و ۵ شهریور (روز بزرگداشت محمد بن زکریای رازی (روز دارو سازی)) است.

هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.^۳

امام صادق سلام الله علیه

لَا یَسْتَفْنِیْ اَهْلٌ کُلٌّ بَلَدٍ عَنْ طَلِیْبٍ بِصِیْرِ نَفْعِهِ

مردم هیچ شهری از پزشک بصیر مورد اعتماد بی نیاز نیستند.^۴

هفته دولت

امام علی علیه السلام: مِلَاکُ السَّیَاسَةِ الْعَدْلُ؛ بنیان سیاست عدالت است.^۵

امام علی علیه السلام:

پایداری دولت ها به برپاداشتن راه و رسم دادگری است.^۶

امام علی علیه السلام:

اجْعَلْ لِرَأْسِ کُلِّ امْرِئٍ مِنْ اُمُورِکَ رَأْسًا مِنْهُمْ، لَا یُفْهَرُهُ کَبِیرُهَا وَ لَا یَنْشَتُّ عَلَیْهِ کَثِیرُهَا؛ برای سامان دادن به هر یک از کارها، سرپرستی از میان آنان بگمار که بزرگی کار، او را مقهور خود نسازد و بسیاری آن، آشفتگی نکند.^۷

پی نوشت

۱. (المستدرک علی الصحیحین: ۳۶۹۱/۶۵۲۷)
۲. (بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۴۱)
۳. ماده ۲۳
۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۹۸۰
۵. غرر الحکم: ج ۱۶، ص ۹۰
۶. غرر الحکم و درر الکلم، ح ۴۷۱۵
۷. نهج البلاغه، نامه ۵۳.



باریافتگان حضور

علی بن ابراهیم بن مهزیار

ابو جعفر محمد بن جریر طبری، از ابو عبدالله محمد بن سهل جلودی، از ابو الخیر احمد بن محمد بن جعفر طاری کوفی در مسجد ابو ابراهیم موسی بن جعفر، از محمد بن حسن بن بحیی حارثی، از علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی نقل کرده است: در یکی از سفرهای حج وارد مدینه شدم و چند روزی در آن شهر ماندم، در باره حضرت صاحب الزمان - علیه السلام - به جستجو و تحقیق پرداختم ولی هیچ خبر و اثری از او نیافتم و بسیار غمتاک شدم و ترسیدم که دیگر به این آرزوی دیرینم که زیارت حضرت بقیه الله - علیه السلام - است نرسم. از مدینه به مکه رفتم، حج را تمام کرده، بعد از آن یک هفته دیگر در مکه ماندم و به انجام عمره پرداختم و در تمام این اعمال همه اش در فکر آن حضرت بودم. روزی در کنار خانه کعبه نشسته و در همین باره به فکر فرو رفته بودم، به ناگاه در خانه کعبه باز شد و انسان خوش قد و قامتی را هم چون شاخ سرو دیدم که بر دی را به کمر بسته و برد دیگری را بر دوش انداخته و گوشه بردش را از روی شانه اش به پکسو انداخته، از دیدارش دلم شاد شد و بی درنگ به سوی او رفتم. نظری به سوی من افکند و گفت: از کجا هستی ای مرد؟ گفتم: از عراق. گفت: از کدام عراق؟ گفتم: از اهواز. گفت: آیا این الخصیب را می شناسی؟ گفتم: آری. گفت: خداوند رحمتش کند، چه شب های طولانی، و بیداری های زیاد، و اشک های ریزانی داشت. بعد فرمود: این مهزیار را می شناسی؟ گفتم: خودم هستم. گفت: خداوند زنده نگه دارتش. خوش آمدی ای ابو الحسن بعد با من معافه و مصافحه کرد و گفت: ای ابو الحسن آن نشئه ای که بین تو و حضرت عسکری - علیه السلام بود چه کردی؟ گفتم: با خود آورده ام. دستم را به جیبم برده و انگشتی را که بر روی آن نوشته بود، محمد و علی در آوردم. وقتی آن را دید و آن نوشته خواند، آن قدر گریست که پارچه ای که بر روی دست گرفته بود، خیس شد و گفت:

ای امام عسکری ای ابومحمد خداوند تو را رحمت کند تو زیور امت بودی.

خداوند تو را به امامت گرامی داشت، تاج علم و معرفت را بر سرت نهادم. ما در پیشگاه شما صابر و پایدار خواهیم بود. بعد بار دیگر با من مصافحه و معافه کرده و گفت: ای ابو الحسن چه حاجتی داری؟ گفتم: امام پنهان از مردم دنیا را می خواهم. گفت: او محبوب و در پس پرده از شما نیست بلکه پرده های او اعمال بد شما است. حرکت کن و به سوی کاروانت برو و منتظر دیدار من باشد. هنگامی که خورشید غروب کند و ستارگان هویدا شوند، در بین رکن و صفا منتظر تو هستم. من روحم آرامش گرفته، خوش حال و خشنود شده. بقیین کردم که خداوند مرا گرامی داشته و این فضیلت را به من داده است. منتظر رسیدن وقت شدم. تا اینکه آن هنگام فرا رسید. شترم را برداشته و بر پشت آن سوار شده و آن شخص را دیدم که مرا صدا می زد و می گفت: ای ابو الحسن بیا اینجا. نزد او رفتم. سلامی به من داد و گفت: راه بیافت ای برادر وی جلو افتاده و من از پشت سر، از این محله به آن محله، از این دره به آن دره، و بعد از کوهی بالا رفتم تا مشرف بر دشت طائف شدیم. بعد گفت: ای ابو الحسن پیاده شو، تا بقیه نماز شب را بخوانیم. پیاده شدیم، گفت: این جا بیایلی است که جز مؤمن به آن وارد نمی شود و جز مومن کسی از آن خارج نمی شود. بعد جلو تر از من وارد خیمه شد و به زودی از آن وارد نمی شود و جز مومن کسی از آن خارج نمی شود. بعد جلوتر از من وارد خیمه شد و به زودی از آن بیرون آمده و گفت: بشارت باد به تو، اثن دخول برای تو صادر شد. من وارد شدم، دیدم از داخل خیمه نوری ساطع است. به عنوان امامت بر آن حضرت سلام کردم فرمود: ای ابو الحسن، ما شب و روز منتظر و رود تو بودیم. چرا این قدر دیر نزد ما آمدی؟

عرض کردم: آقای من تا کنون کسی را نیافته بودم که دلیل و راهمندی من به سوی شما باشد. فرمود: آیا کسی را نیافتی که تو را دلالت کند؟ بعد انگشت مبارک را به روی زمین کشیده و سپس فرمود: نه، لکن





بِقَاتِلِ



شماها امواتان را فزونی بخشیدید و بر بینوایان مومنین سخت گرفته، آنان را سر گردان و بیچاره کردید و رابطه خویشاوندی را در بین خود بریدید (صله رحم انجام ندادید)، دیگر شما چه عذری دارید؟ گفتم: توبه، توبه، عذر می‌خواهم، ببخشید، نادیده بگیرید. سپس فرمود: ای پسر مهزیار اگر نبود که بعضی از شما برای بعضی دیگر که استغفار کنید، تمام کسانی که بر روی زمین هستند نابود می‌شدند به جز خواص شیعه همان هایی که گفتارشان با کردارشان همانند است. بعد فرمود: ای پسر مهزیار و در این حال دست مبارک را کشید، آیا تو را خبر دار کنم؟ هر گاه که کودک بنشیند، مغربی به جنبش آید، عثمانی به راه افتد، با سقیایی بیعت شود، خداوند به من اجازه می‌دهد و بین صفا و مروه به همراه سیصد و سیزده نفر همرنگ و همانند، خروج می‌کنم، به کوفه می‌آیم و مسجد آن را ویران کرده، طبق ساختمان اول، آن را بنام می‌کنم، و ساختمان هایی را که ستمگران ساخته اند خراب می‌نمایم، و به همراه مردم حجه الاسلام را انجام می‌دهم، و به مدینه می‌روم. حجره (اطاق خاص حضرت رسول - صلی الله علیه و آله -) را خراب کرده، کسانی را که در آنجا مدفون هستند، بیرون می‌آورم و دستور می‌دهم بدان تازه و صحیح آنها را به کنار بقیع بیاورند. و آن دو چوبی که روی آن نماز می‌خواندند، بیاورند، و از زیر آنها برگ، سبز می‌شود، و مردم به وسیله آن دو آزمایش می‌شوند، سخت تر از آزمایش لول. منادی از آسمان صدا می‌زند: ای آسمان نابود کن، و ای زمین، بگیر. در آن روز بر روی زمین کسی باقی نمی‌ماند جز مومنی که قلبش بازگشت، بعد این آیه را تلاوت فرمود: «ثم رددنا لكم الكرة عليهم و امددناكم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا» ۱.

پی نوشت

۱. اسراء/ ۶

منبع

روزنه ای به خورشید سیدهدلتم بحرانی
مترجم: سیدحسین الفتخرزاده، ص ۱۶۱ - ۱۵۷.

امنیت

همه جانبه



در دین اسلام، امنیت یکی از اصول زندگی فردی و حکومتی است که خود به تنهایی زمینه ساز بهره وری از مواهب حیات و تکامل بشر و از مقدس ترین آرمان ها و ارزش هاست. البته امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یک جانبه تحقق پذیرد، بلکه تنها در سایه حکومت و تشکیلات حکومتی است که می توان به امنیت دست یافت.

گفتنی است که این امنیت و ابعاد آن (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی) باید در یک مجموعه هماهنگ و منظم پیگیری شود. بر این اساس، زمانی می توان امنیت اجتماعی را ایجاد نمود که بتوان امنیت اقتصادی را هم به نحو صحیح و مرتبط با آن، مدیریت کرد. عدم هماهنگی امنیت سیاسی و اقتصادی می تواند به بروز ناهنجاری های اجتماعی و حکومتی جدی بیاتجامد. زمانی می توان امنیت نظامی را، که یکی از ابعاد امنیت است، تأمین کرد که جامعه و مردم از حیث امنیت اقتصادی، دارای مشکلی نباشند و الا انگیزه ای برای مقابله با دشمن جهت رفع بحران، تجاوز و برقراری امنیت نظامی نمی ماند.

امنیتی را که اسلام به آن بها داده است، امنیت همه جانبه است. اسلام هر نوع ایجاد ناامنی را ناروا می داند. هر نوع ایجاد رعب و وحشت در دل های مسلمانانی که خلافی مرتکب نشده اند را روا نمی داند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله)

«در همه ی شئون زندگی امنیت یک ضرورت برای انسان است. در دوران عبادت، در دوران سازندگی، در دوران تجارت، هر فعالیتی که انسان بخواهد بکند، محتاج امنیت است.»

حضرت در نکوهش کوفیان و هشدار به آنها می فرماید: «الحمد لله الذی شرع الاسلام فسهل فجعله امنا لمن عقله: ستون های اسلام را در برابر ستیزه جوین استوار کرد - و آن را پناهگاه امنی برای پناه برندگان قرار داد»^۱

امام اسلام را به عنوان مقوله ای که خود امنیت آورست، معرفی می نمایند و در باقی کلمات خود، برای رسیدن به این امنیت معنوی، مصادیق دیگری را هم عنوان می کنند یکی دیگر از راه های امنیت معنوی، وجود نبی اکرم (ص) است.



امیر المؤمنین در یک طبقه بندی، امنیت را به انواع گوناگونی تقسیم نموده است:

- ۱) امنیت معنوی
- ۲) امنیت فرهنگی
- ۳) امنیت سیاسی - اجتماعی
- ۴) امنیت اقتصادی
- ۵) امنیت قضایی
- ۶) امنیت مرزی

ابعاد امنیت در کلام امام علی علیه السلام

همان گونه که در نخستین فراز بحث بیان شد که امنیت ابعاد گوناگون دارد، ما در این فراز از بحث به برخی از ابعاد امنیت و با تکیه به کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پی می گیریم.

۱. امنیت معنوی

مراد از امنیت معنوی، که برای احاد یک جامعه و ملت وجود دارد این است که قلب انسان به واسطه ایمان و باور همراه عمل به یک سکون و آرامش درونی دست یابد. عمده ترین هدف انبیا در بحث، توجه دادن مردم به همین مسأله بوده است.

که فرمود: «كان في الارض ايمان من عذاب الله و قد رفع احدهما:»
 دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود؛ یکی از آن دو برداشته
 شد؛ پس دیگری را دریابید و بدان چنگ زنید؛ اما امائی که برداشته
 شد رسول خدا بود و امان باقی مانده، استغفار کردن است.^۲
 آنچه در امنیت معنوی، حضرت امیر المؤمنین، علی (ع) بر آن تأکید
 می‌ورزند، ارتباط و مناجات با خدای متعال می‌باشد به عبارت دیگر،
 مراد حضرت از ارتباط، این است که آدمی به هر زبانی و به هر طریق
 ممکن، خدا را بخواند تا رفته رفته زبان خداوند را در پاسخ دادن،
 تجربه، کشف و احساس نماید.

رابطه فقط در میان آدمیان برقرار نمی‌شود بلکه بین انسان و خداوند
 هم برقرار است و تمام لطف معنای دعا کردن، در این نکته قرار دارد در
 واقع، مهمترین نکته ای که در دعا کردن هست و ما آن را از مدرسه
 انبیا آموخته ایم، توسعه رابطه آدمی با خداوند و از چارچوب تنگ ارتباط
 علمی بیرون رفتن است. خداوند دوست دارد که ما او را نه تنها خالق
 خودمان به حساب آوریم، بلکه او را معطی و مجیب هم بدانیم و با او
 مخاطبه و مکالمه بکنیم.

راه خلوتگه خاصم بنما تا پس از این
 می خورم با تو و دیگر غم دنیا نخورم

این حالت همان کلام مرشد علی بن ابیطالب، حضرت نبی اکرم (ص)
 است که فرمود: «لبت عند ربی یطمعنی و یسفینی شبها را نزد خداوند
 به روز می آورم و او به من می خوراند و می نوشاند»^۳

بر این اساس، حضرت به محضر خدای متعال در وجود یک امنیت
 معنوی و روحی عرض حال می نماید که: «اللهم لك انس الانسین
 لا ولیا لك و احضرهم بالكفایه للمتوكلین علیك:» خدایا تو با دوستانت
 انس گیرنده تری، و برطرف کننده نیازهای توكل کنندگانی، بر اسرار
 پنهانشان آگاه و به آنچه در دل دارند آشنایی، و از دیدگاه آنها باخبر و
 رازشان نزد تو آشکار و دل هایشان در حسرت دیدار تو، داغدار است. اگر
 تنهایی و غربت به وحشت شان نثار، یاد تو آرامشان می کنی اگر
 مصیبتها بر آنها فرود آید، به تو پناه می برند.^۴

این کلام حضرت، بیانگر این حقیقت است که معشوق ازل و ابد در میان
 ارتباط و رابطه در دل آدمی مأوا گرفته و کلام مقدسش از این حکایت
 دارد: «حن القرب الیه من حبل الوری»

ما به انسان از رگ گردنش نزدیکتریم»^۵

پس بین محب و محبوب سرمد هیچ حجابی جز حجاب های
 خاکی و نفسانی نیست. ۶ امنیت معنوی یعنی عاشق جز معشوق
 دیگری نبیند و جایی را بی او نمی گیرد. کائنات در چشمش بسان
 آیینه حق نماست. از این نظر معشوق ظهور و حضور دارد و مدام
 با عاشق است و هرگز جلوه مستانه آواز دل و دیده اش غایب نمی
 گردد و در میان قبض و بسط هیچ اضطراب و آشفتگی در او
 نخواهد یافت.

این قسمت از امنیت را با کلام حضرت به پایان می بریم که برای
 اباندر در وقت تبعد فرمود: «یا اباندر! لك غضب لله عالج من
 غضب لمان القوم:» ای اباندر، همانا تو برای خدا به خشم
 آمدی. پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک
 شدی. اگر آسمان و زمین درهای خود را بر روی بنده ای ببندند
 و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد
 گشود. آرامش خود را تنها در حق جست و جو کن و جز باطل
 چیزی تو را به وحشت نیندازد»^۷

۳. امنیت فرهنگی

فرهنگ که فرایندی از آداب و رسوم، خوی ها و خصلت ها و
 چگونگی روابط حاکم بر مجموعه ها و گروه های انسانی
 است. ضمن آن که خود زاینده زندگی اجتماعی آنها می
 باشد. تا تأثیر شگرف و غیر قابل تردیدی بر چگونگی زندگی و ادامه
 حیات اجتماعی و ملی ملت ها نیز دارد.

فرهنگ هر ملتی، ریشه در اعتقادات، طرز تلقی ها و نوع نگرش
 آنها به جهان و مسائل موجود در آن دارد. بنابراین، به میزانی که
 پایه های اعتقادی و باورهای اجتماعی ملتی مبتنی بر حقایق و
 ارزش های انسانی و الهی باشد، ارزش های فرهنگی او نیز
 شایسته تمجید و در خور ستایش و قابل پیروی خواهد بود. اما
 پرواضح است که در طول تاریخ حیات بشری همواره آداب، سنن،
 خوی و خلق انسان ها در جهت حق و براساس برداشت های حق
 جوینانه و واقع گرایانه از فضاها و مسائل مختلف نبوده و در بسیاری
 موارد و به دلایل عده، تحراف، کجروی و دوری از صراط
 مستقیم، فلاح، رستگاری و در غلظتین در دامن موهومات و
 باورهای خرافی، باطل گرایانه، غیر الهی و ضد بشری گریبان گیر
 اقوام و ملل مختلف شده است.

در عصری که بسیاری از واژه ها، معنای حقیقی خود را از دست
 داده اند، اشاعه ابتذال و فساد، نام ترویج فرهنگ و خدمت به
 جامعه بشری به خود می گیرد.

و دفاع از هویت ملی، ارزش های والای انسانی و فرهنگ، واپسگرایی، سکون و عقب ماندگی تلقی می شود.

و بلدهای آشکار فکری و فرهنگی، از هر وسیله ای برای هجوم و استحاله فرهنگی و مسخ ارزش های معنوی بهره می جویند در این بین، هجوم بر بنیان های فکری، خطرناکترین و کارسازترین حربه ای است که موجودیت ملت ها و دولت ها را تهدید می کند.

در ترسیم گستره تهاجم فرهنگی دشمن شاید نتوان در میان نظریه پردازان مادی و الهی، کسی را یافت که در توجه به امر فرهنگ، ساختار فرهنگی، ابزارها و روش های توسعه فرهنگ، ضرورت شناخت عوامل و نکس فرهنگ و موضوعاتی مشابه و در یک کلمه «امنیت فرهنگی جامعه»، تسامح را روا دانسته و نسبت به ارزش های مورد پذیرش خود، سستی را مجاز شمرد. چه آنانی که برای جامعه، تنها اعتبار ذهنی قایلند و آن را به موجودی زنده و پویا تعریف نمی کنند و چه آنها که انسان محورند و خواست و اراده بشری را ملاک صحت اعمال دانسته و به مشیت الهی بی توجهند، همگی بر این امر متفق القولند که باید با تمام قوا، از فرهنگ و ارزش های خود دفاع کرد و در جامعه یک اقتدار و امنیت فرهنگی حاکم نمود.

زمانی که فرهنگ، نزد ما به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه ها در سرپرستی جامعه محسوب می شود، زمانی که ولستگی فرهنگی، منشأ دیگر ولستگی ها و استقلال آن، زمینه ساز رهیدن از تعام قیود است، زمانی که دو نپال سیاست و اقتصاد در زمین بکر فرهنگ غرس می شوند، از آن تغذیه می کنند و با حیات او زندگی می کنند، زمانی که اولین خاکریز ما و دشمن در نبرد تاریخی و بی امان اسلام و الحاد، فرهنگ است، چه جای درنگ و تساهل.

آنچه در هجوم فرهنگی و بحران آن قابل تأمل و توجه می باشد، این است که این کار، آرام و بی سرو صدا صورت می گیرد و کمتر کسی متوجه این حرکت خطرناک می شود. این مقدمه و شروع بحران امنیت فرهنگی، حاصل تلاش هایی است که در عرصه سیاست و ثبات سیاسی جامعه صورت می پذیرد.

امام علی(ع) در زمینه پنهان بودن حرکات شد فرهنگی دشمن هشدار می دهد و می فرماید: «ان الفتن اذا قبلت شبهت و اذا ادبرت نهبت» یکنون مقلات و يعرفن: فتنه ها انگاه که روی آورند، با حق شباهت دارند و چون پشت کنند، حقیقت چنان که هست، نشان داده می شوند. فتنه ها چون می آیند، شناخته

نمی شوند و چون می گذرند، شناخته می شوند. فتنه ها چون گردبادها می چرخند، از همه جا عبور می کنند». ۸

و یا در کلام دیگر خود می فرماید: «الفتنه عند طلوع جنبینها و ظهور کمینتها و انتصاب قطبها و مدار رحاها: فتنه آغازش چون دورانی جوانی پر قدرت و زیبا و آثارش چون آثار باقیمانده بر سنگ های سخت زشت و دیرپاست». ۹

آنچه در زندگی سیاسی و فردی حضرت به عنوان نقاط برجسته ظهور می نمایند این است که اوضاع سیاسی و فقدان امنیت و ثبات سیاسی در طول ۲۵ سال، سبب نابودی امنیت سیاسی و فرهنگی رسول خدا گردید. آنها در پناه خفقان و استبدادیه هجوم فرهنگی خویش در قالب عدم کثایت حدیث و عدم رجوع به قرآن ناطق حضای جامعه را با شعار «حسینا کتاب الله»، تیره و تار نمودند.

بر این اساس امام علی(ع) وقتی که زمام امور جامعه را به دست گرفته با ایجاد یک انقلاب فرهنگی در جهت زدودن رسوبات و لایه های پیدا و پنهان القطار منحرف دشمنان را از صحنه بیرون نمود.

تحکمی نیست اگر ادعا شود مشکل اولیه و مقدماتی حضرت در شروع حکومت، ناهماهنگی ساختار فرهنگ جامعه با آرمان ها و شتاب روز افزون حرکت حکومتی امام بود نه مشکلات اقتصادی و یا سیاسی که از صیغه و جلوه ای پررنگ تر برخوردارند.

اصولا در هر جامعه ای، محور قرار دادن مسائل اقتصادی و سیاسی با هر وزن و اندازه ای، غفلت از عامل مهم تکوین ساختار آنها می باشد که چیزی جز اصلاح نظام تمایلات و به تبع نظام ادراکات یا فرهنگ جامعه نیست. از این رو، مادمی که انقلاب فرهنگی توسعه نیابد و اتوار آن، افق سیاسی و اقتصادی را در تمامی ابعاد روشن ننماید، استفاده از معادلات و مفاهیم ناهمگون با هدف غایی حرکت تکاملی جامعه نمی تواند تضمینی برای تحقق آرمان های الهی در جامعه باشد.

مطمئناً برای ایجاد یک امنیت فرهنگی، اگر انقلاب سیاسی در وجدان عمومی جامعه مؤثر افتد و گستاخی و جسارت روحی مردم را در برخورد با هر آن چه نام ظلم دارد مضاعف سازد، ما نتواند با امنیت فرهنگی گره بخورد که بستر پرورشی جامعه را برای تداوم حرکت سیاسی مهیا کرده و ابزار لازم را برای هدایت چنین حرکتی در اختیار تصمیم سازان و تصمیم گیران نظام می گذارد و اگر این دو نتوانند با امنیت اقتصادی هم آوا شوند، حتما در ادامه راه با مشکلات جدی برخورد خواهد شد.

امنیت فرهنگی، ابزار روحی، تفاهم فکری و تعاون عملی است. غفلت از چنین امنیتی (فرهنگی)، ضرورتاً به تمسک ناخوایسته به ابزارهای سیاسی و تبلیغی، که تنها از عهده توجیه وضعیت موجودان

هم برای مقطعی خاص برمی آید. منجر می شود.

علل و زمینه های برقراری بحران و فقدان امنیت فرهنگی

در یک بررسی مختصر می توان به ویژگی ها و عواملی دست یافت که در فقدان امنیت فرهنگی نقش محوری و به سزایی را دارا هستند که برخی از آنها توسط دشمن خارجی و تعدادی دیگر مختص ساختار داخلی جامعه می باشد که برخی از آنها را بیان می کنیم:

الف) شبهات

امام علی (ع) در تعریف آن می فرماید: «شما سمیت الشبهة شبه لآنها تشبه الحق» شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شبهات دارد اما نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات یقین است و راهنمای آنها مسیر هدایت الهی است اما دشمنان خدا دعوت کننده شان در شبهات، گمراهی و راهنمای آنان، کوری است.^{۱۰} دشمنان امام علی (ع) توانستند با ایجاد شبهات فرولان ۲۵ سال جامعه را از حیث سیاسی بر مدار باطل خویش هدایت کرده و از فیض ولایت و امامت علی (ع) محروم نمایند.

ب) بی لیاقتی سران حکومتها

شکی نیست که قدرت و هیأت حاکمه در یک جامعه، تأثیر چشمگیری بر ایجاد امنیت فرهنگی آن جامعه دارد اگر حکمرانان مقید و مطیع ارزش های دینی جامعه خود باشند به دول و گسترش فرهنگی دینی کمک به سزایی می نمایند و اگر فاسد و بی لیاقت باشند صدمات جبران ناپذیری بر فرهنگ و ذخایر مادی و معنوی جامعه وارد می کنند و عامل بحرانی در عرصه فرهنگ می شوند به همین دلیل دشمن از طریق حکام وابسته و فاسد خیلی سریع تر می تواند به مسخ فرهنگ دینی و جایگزین کردن فرهنگ مورد نظر خود دست یازد.

امام در کلامی از کلمات شیرین و قلبیه حاکم را این گونه تبیین می فرماید: «ان احق الناس بهنا الامر اقواهم علیه و اعلمهم بامر الله فیه فان شغب شاقب استعجب» سزاوارترین لشخاص به خلافت (حکومت) آن کسی است که در تحقق حکومت خیر و مند و در آگاهی از فرمان خدا نااثر باشد تا اگر آشوبگری به فتنه انگیزی برخیزد به حق بازگردانده شود...^{۱۱}

«مردم هم اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قبله شعله ور شده است و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی کشد»^{۱۲}

ج) رفاه طلبی و تجمل

القای روحیه رفاه طلبی و دنیاگرایی یکی از محورهای اصلی بحران در امنیت فرهنگی جوامع است. دشمن برای سست کردن عقاید و اصول

فرهنگ جوامع مستقل به خصوص کشورهای اسلامی، طرحهای مختلف و متنوعی را پی ریزی می کند. یکی از عوامل فرهنگی که باعث موفقیت و توسعه دین و وحدت پیروانش می شود، تأکید بر عدم وابستگی مسلمانان به زخارف دنیوی و هواهای نفسانی است. این امر باعث می شود تا دلپای آنان همواره متوجه خدا بوده و خدامحور اصلی وحدت برای همه باشد از طرفی دیگر، عدم دلبستگی به مادیات دنیا باعث دوام روحیه دین مداری در امت اسلامی خواهد شد که در این صورت هیچ قدرتی را برای غلبه بر امت اسلامی نخواهد بود.

«فلا تكونوا نصاب الفتن و اعلام البدع و الزموا ما عقد علیه حبلى الجماعة» سعی کنید که شما پرچم فتنه ها و نشانه های بدعت نباشید و آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه های طاعت بر آن پایدار است بر خود لازم شمارید. لقمه های حرام به شکم خود راه ندهید. شما برابر دیدگان خداوندی قرار دارید که گناهان را حرام کرد و راه اطاعت و بندگی را آسان فرمود.^{۱۳}

ادامه دارد ...

پی نوشت ها

۱. نهج البلاغه - خطبه ۱۰۶.
 ۲. نهج البلاغه - حکمت ۸۸.
 ۳. بحار الأنوار ج ۱۳ ص ۱۵۲ ج ۶.
 ۴. نهج البلاغه - خطبه ۲۲۷.
 ۵. ق ۱۶.
 ۶. حافظ: «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز».
 ۷. نهج البلاغه - خطبه ۱۳۰.
 ۸. نهج البلاغه - خطبه ۹۲.
 ۹. همان - خطبه ۱۵۱.
 ۱۰. نهج البلاغه - خطبه ۲۸.
 ۱۱. نهج البلاغه - خطبه ۱۷۲ (سخنرانی در شهر مدینه).
 ۱۲. همان منبع سابق.
 ۱۳. نهج البلاغه - خطبه ۱۵۲.
- منبع
بهاروند، مهدی، مجله دانش انتظامی «بهار» ۱۳۸۰ - شماره ۸، ص ۲۵-۱۴.

صاحب الغدير



او برای اثبات ولایت مولایمان علی علیه السلام آنچه در توان داشت انجام داد و در نهایت اثر ارزشمندی از خود به جا گذاشت به نام الغدير که اینک مرجع جامعی برای مسلمانان جهان است. در این مطلب به بررسی ابعاد شخصیت والای ایشان و معرفی کتاب ایشان خواهیم پرداخت.

نوشتن از شخصیتی که زندگی خود را وقف حضرت علی علیه السلام کردند بسیار سخت است. آن هم در عصر حاضر که دین، رنگ کمرنگی بر زندگی ما دارد و سایه ای کوچک بر لحظه هایمان انداخته! و تنها زمانی که منفعتی برایمان داشته باشد برایش قد علم می کنیم و قدمی برمی داریم. غریبه است خاطراتش برای زمان ما!

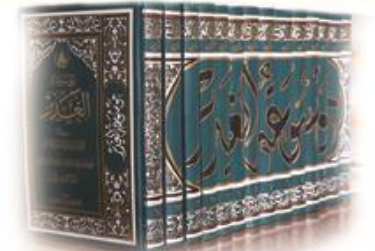
آری براستی کدام یک از ما برای اثبات سخنان مولایمان کار صعب و سخت به جان خریده ایم؟!

عبدالحسین امینی نجفی

علامه بزرگوار ما مرحوم شیخ عبدالحسین امینی نجفی به سال ۱۳۲۰ هجری قمری در شهر تبریز دیده به جهان گشود. وی فردی عالم و متقی بود و حیات خویش را مصروف کسب علوم دینی نمود و در شعر و ادب و مکارم اخلاقی به حظی وافر دست یافت. ایشان شعر نیز می سرود و قصائدی در مدح ائمه اطهار علیهم السلام دارد که هم اکنون در دست است. او در شعر خود به «وائق» تخلص می کرد و نقش مهر او آن طوری که در پشت بعضی از رسائلش مشهود است «وائق بالله الغنی عبده نجفقی» بوده است.

این مرد بزرگ برای اثبات ولایت مولایمان علی علیه السلام آنچه در توان داشت انجام داد و در نهایت اثر ارزشمندی از خود به جا گذاشت به نام الغدير که اینک مرجع جامعی برای مسلمانان است. نکات قابل تأمل بسیاری در جمع آوری این کتاب وجود دارد که به چند مورد اشاره میشود:

هدفی که علامه برای تالیف این کتاب داشته از مواردی است که باید به آن اندیشید! «الغدير، ملل اسلامی را در یک صف واحد متحد و متشکل می سازد. مجموعه مطالب این اثر اتحادی را که در



زمان رسول خدا (ص) در سایه همدلی اسلامی بین صفوف مسلمین بود، دوباره به جوامع اسلامی باز می گرداند.

این هدف آن قدر برای علامه والا و حائز اهمیت بود که ایشان چهل سال متوالی و روزانه ۱۶ ساعت از عمر گرانمایش را وقف جمع آوری آن نمودند!

سعی و تلاش وصف ناپذیر علامه هم از مطالعات وسیع و گسترده ایشان نمایان است. ایشان می فرماید: «من برای نوشتن الغدير، ۱۰ هزار کتاب را از پای بسم الله تا نای ثقت خواندم و به ۱۰۰ هزار کتاب مراجعه مکرر داشتم».

ایشان در «الغدير» کوشیده است با نام بردن از ۱۱۰ تن از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین پیامبر (ص) - که حدیث غدیر را روایت کرده اند - ولایت مطلقه ائمه معصومین را از طریق اثبات خلافت بلاقص امام علی (ع) اثبات کرده و سپس ولایت غیر معصوم را نفی کند.

می گویند بعد از نوشتن الغدير گفته بود: «روز قیامت با دشمنان امیرالمؤمنین مخاصمه خواهم کرد! همان طور که آن ها وقت آقا را گرفتند. وقت مرا هم گرفتند و گرنه من می خواستم معارف امیرالمؤمنین را گسترش بدهم! این ها آمدند مرا وادار کردند که من در اثبات امامتش کتاب بنویسم»!

و این چنین بود که به عقیده بسیاری از علماء علامه امینی با نگارش کتاب «الغدير» دل امیرالمؤمنین (ع) و شیعیان آن حضرت را شاد کرد.

همه حرفهای امام رضا

کتاب عیون اخبار الرضا نوشته شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۰۵ - ۳۸۱ هجری)، نویسنده از دانشمندان برجسته و چهره های سرشناس و از راویان شیعه در قرن چهارم هجری به شمار می آید.

شیخ صدوق

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، عالم بزرگ شیعی قرن چهارم هجری قمری است. سال تولد وی پس از ۳۰۵ ق، وفاتش ۳۸۱ ق و مدفنش ری است. او را بزرگترین محدث و فقیه مکتب حدیثی قم به شمار آورده و حدود ۳۰۰ اثر علمی به او نسبت داده اند که بسیاری از آنها مفقود شده است. کتاب من لایحضره الفقیه از کتب اربعه شیعه اثر او است.

عیون أخبار الرضا (ع)

کتابی حدیثی درباره زندگی، آثار و روایات امام علی بن موسی الرضا (ع) نوشته شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱) عالم دینی شیعه امامیه. احادیث این کتاب در ۶۹ باب تنظیم شده است که بخشی از آنها گفته های خود امام رضا (ع) است و بخشی دیگر احادیثی است که او از امامان پیش از خود، روایت کرده است. عیون اخبار الرضا موضوع واحدی ندارد و به همین سبب در موضوعات مختلفی چون فقهی، اخلاقی، سیره و کلام از منابع مهم شیعه به شمار می رود و در میان علمای شیعه به عیون الأخبار نیز شهرت دارد.

شیخ صدوق در این کتاب روایت های پیرامون امام رضا علیه السلام و مجموعه روایاتی که از آن حضرت روایت شده را جمع آوری کرده است.

شیخ صدوق این کتاب را برای هدیه به کتابخانه صاحب بن عباد دلمی، وزیر وقت و حاکم شیعی آن دوران نگاشته است. صاحب بن عباد در مدح و ستایش امام رضا علیه السلام اشعاری می سراید و آن را به شیخ صدوق هدیه می دهد و شیخ نیز این کتاب را در پاسخ به هدیه ایشان، به نگارش در می آورند.

کتاب عیون اخبار الرضا از معتبرترین منابع روایی شیعه است که مانند دیگر کتابهای شیخ صدوق از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است.

در این کتاب مباحث متنوعی آمده است و شامل ۶۹ باب است که تعدادی از آن به شرح ذیل است:

- باب اول: چرا امام رضا (ع)، رضا نامیده شد؟
- باب دوم: اطلاعاتی در مورد مادر امام رضا (ع).
- باب سوم: در مورد تولد حضرت رضا (ع).
- باب چهارم: روایاتی که از امام هفتم در مورد جانشینی امام رضا (ع) مطرح شده است.
- باب پنجم: وصیتنامه امام موسی کاظم (ع).
- باب ششم: امامت امام رضا (ع).
- باب هفتم: احوالات امام موسی کاظم با هارون الرشید و موسی بن مهدی.

و -

این کتاب در شرح و توضیح بسیاری از عقاید شیعه کتابی ارزشمند و مفید می باشد. شیخ صدوق با جمع آوری سخنان و بحث های امام رضا علیه السلام با دیگر دانشمندان آن دوران بسیاری از مباحث مهم اسلامی را مطرح کرده است.





زبان مقاله

شاید هر یک از ما در ذهن خود ایده‌هایی برای نگارش داشته باشیم ولی وقتی سخن از به رشته سخن در آوردن این افکار و کتابت آنها می‌رسد، پشیمان می‌شویم، و یکی از دلایل آن هم ترس از شیوه نگارش آن است، اما طبق روال گذشته که از مقاله نویسی شروع کردیم و در شماره قبل انواع مقاله را گفتیم این بار مباحث ذیل را طرح کرده و در نهایت در شماره های بعد آن شاءالله بتوانیم سیری از پژوهش و نگارش یک مقاله یا تحقیق کتابخانه ای خدمت شما ارائه نماییم.

زبان مقاله

۱. زبان مکالمه: در این نوع زبان، تقلید دستوری وجود ندارد و حذف بعضی عناصر در مکالمه، مشکلی ایجاد نمی‌کند. زبان گفتار و مکالمه در روابط شخصی و فردی و صمیمانه به کار می‌رود و وابسته به موقعیت زمانی و مکانی است.

۲. زبان تخیل: در هنر و ادبیات و... که با تخیل سر و کار دارد این زبان نیز مثل زبان مکالمه، شخصی است.

۳. زبان علم و دانش: فراتر از زمان و مکان، یعنی زبان مقاله‌ی علمی باید طوری باشد که در همه زبان‌ها و مکان‌ها قابل فهم باشد. زبان علم با اطلاعات سر و کار دارد و در پی انتقال معناست. شفافیت، رسایی و گریز از ابهام و ابهام از دیگر ویژگی‌های زبان علم است. از این روی، نه تنها رعایت قواعد دستوری زبان رسمی، در مقالات علمی لازم است، بلکه دقت در استفاده از علامت‌های نگارشی (مانند نقطه، ویرگول، دو نقطه، نقطه ویرگول، علامت سوال و...) ضروری بوده و موجب آسانی فهم نوشتار می‌گردد.

ویژگی‌های زبان معیار

۱. ساده گرایی: عدم سطحی گرایی، روشن نویسی و برداشتن بار دشوار فهم از دوش خواننده، از جمله مهم ترین مؤلفه های مقاله علمی است.

۲. محتوا گرایی: در بیان محتوا، اصل مطلب باید رسا و در عین حال، علمی و متکی بر اصطلاحات و زبان هر علم باشد. مثلاً مقاله های روان شناسی، اصطلاحات روان شناسی را دارد و متفاوت از مقاله های فلسفی است. مثلاً در نگارش های روان شناختی، نباید از اصطلاحات نامأنوس فلسفی، کلامی، پزشکی و... استفاده شود.

۳. محاوره گریزی: در تمامی زبان ها، دو گونه ی زبانی وجود دارد: زبان گفتار و زبان نوشتار. زبان بومی و گویش های قومی در نوشتار به کار نمی‌رود.

۴. زبان رسمی یا علمی: زبان رسمی، زبان عموم فرهیختگان و دانش آموختگان است. در این زبان از سبک گفتاری و محاوره پرهیز شده و بیان های شاعرانه، مطالب خیال انگیز و آرایه مند در آن وجود ندارد. در این مقالات از زبان قصه، شعر، خطابه، توصیف، تعریف و تمجید، اغراق یا توهین و تعبیرات احساسی پرهیز می‌شود.

زبان علمی و رسمی، مبتنی بر مفاهیم و اصطلاحات علمی است و یافته های محقق با واژگان فنی و متعارف همان علم بیان می‌شود.

در هر جامعه، زبان علمی برگرفته از زبان معیار همان جامعه است.



عفت کمال

ارکان مقاله

۱. **وحدت موضوع:** مقاله باید حول یک موضوع مشخص نوشته شود؛ یعنی هر اثر علمی در پی مسأله‌ای باشد که در آغاز تحقیق مطرح کرده و تمام همت خود را صرف پاسخ همان مسأله می‌کند. از این روی، نباید مرتب از این شاخه به آن شاخه پرید و مخاطب را در میان داده‌های متفلوت و حاشیه‌ای سرگردان کرد مانند خطابه‌ی پراکنده‌ی یک سخنران بدون مطالعه.

۲. **وحدت زمان:** نویسنده باید، زبان مقاله را از ابتدا تا انتها ثابت نگاه دارد. اگر قرار است بحث ولایت فقیه در قرن سوم و چهارم بررسی شود نباید به مباحث قرن نهم و دهم بپردازد و جواب همان موضوع در عصر قاجار را بحث کند. البته این امر منافاتی با آوردن شاهد مثال‌ها و مقایسه‌های تاریخی ندارد.

۳. **وحدت مکان:** مکان مقاله باید ثابت نگاه داشته شود. اگر مقاله‌ای درباره‌ی یک پدیده در ایران نوشته می‌شود، نباید در پایان از تحلیل همان موضوع در مصر سر در آورد.

۴. **انسجام:** این ویژگی به تمام بخش‌های یک نوشتار مربوط می‌شود. کلمات و جملات در یک مقاله، مانند حلقه‌های زنجیر به هم بسته‌اند. هر گونه آشفتگی و پراکندگی در ساختار مقاله، نویسنده را در بیان هدف خویش ناکام خواهد گذاشت. دقت محقق در طرح سوال اصلی آغاز مقال و تمرکز مداوم بر پاسخ پای به همان سوال، ضامن رعایت ارکان چهارگانه‌ی فوق است.

قابل توجه است؛ بیشتر نویسندگان، در مراحل آغازین از این مشکل رنج می‌برند. **شیوایی و رسایی:** شیوایی مقاله در گرو ساده نویسی است.

باید تلاش کرد از جملات رسا، گویا و در حد امکان، عبارات کوتاه، استفاده شود. سطح نگارش مقاله و انتخاب نوع قلم باید با نیاز و فهم مخاطب هماهنگ باشد مثلاً در نگارش مقالات علمی در هر حیطه‌ای باید مباحث فنی مورد استفاده قرار گیرد، اما نوشتن برای سطح عامه جامعه، قلمی پیراسته از هر گونه تعبیر خاص و علمی را می‌طلبد.

منبع

روش پژوهش کتابخانه‌ای، دکتر سید ضیاءالدین علیا نسب، آمنة رمة پرور، ص ۳۹-۴۴



تابستان

در فصل تابستان از چه مواد غذایی باید پرهیز کرد؟

سبک زندگی افراد در فصول مختلف متفاوت است و غذاهایی که فرد در فصول مختلف می خورد باید متفاوت باشند و گرنه بیمار خواهد شد. حتی حالت خواب و میزان فعالیت های بدنی و... نیز باید تفاوت داشته باشد.

استفاده کنند. اکثر مغزها مزاج گرم و خشک دارند و همه افراد به ویژه کسانی که مزاج گرم و خشک دارند، نباید در مصرف آن زیاده روی کنند.

• سرخ کردن، بو دادن و تفت دادن باعث گرم و خشک شدن مزاج می شوند، بنابراین نباید در مصرف غذاهای تهیه شده به این روش ها زیاده روی شود.

• در مورد شیرینی جات نیز به همین ترتیب است، چون پایه مزاج این مواد هم گرم است، بنابراین نباید در مصرف شیرینی ها، شکلات ها و حتی شیرینی جات طبیعی مانند عسل، کشمش، مویز و میوه های شیرین مانند انجیر، نارگیل، موز، خربزه، آلبانی و... در فصل تابستان زیاده روی شود.

• گوشت های فرمز مخصوصاً به دلیل داشتن گرما و حرارت زیاد باید کمتر مصرف شوند. به ویژه گوشت پرندگانی مانند کبک و بلدرچین که گرمای بسیار زیادی نسبت به گوشت گوسفند دارند و همچنین گوشت شتر هم به دلیل گرمای زیاد نباید زیاد مصرف شوند.

• در مصرف غذاهایی مانند فستجان، گردو و کنجد نیز به دلیل گرم بودن مزاجشان باید در این فصل پرهیز شود.

در فصل تابستان از نظر غذا، باید بدلیتم از چه مواد غذایی پرهیز کنیم. توجه داشته باشید که در طب سنتی پرهیز بر درمان مقدم است و آغاز کار حفظ سلامتی و درمان بیماری ها پرهیز است، به این صورت که از مصرف مواد غذایی مضر پرهیز شود.

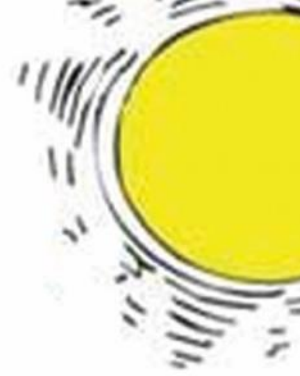
• در فصل تابستان افراد با مزاج گرم و خشک، بیشتر در معرض آسیب می باشند، زیرا به دلیل گرم و خشک بودن مزاج این افراد و همچنین فصل تابستان، احتمال خطر در این افراد بیشتر است. بنابراین در این فصل باید از تمام خوردنی ها و نوشیدنی هایی که حرارت بدن را بالا می برند و باعث خشکی می شوند، پرهیز کرد. مخصوصاً مواد غذایی تند از قبیل فلفل و زنجبیل، دارچین، زعفران، سس های تند، خردل، سبزیجات تند مانند سیر، پیاز، ترخون، نعناع، تره، شاهی، شوید و... در نتیجه باید از غذاهای پخته ساده بدون ادویه جات استفاده شود.

• این افراد باید در مصرف تمک و غذاهای شور و تنقلات مانند چیپس شور، آجیل شور و... در فصل تابستان احتیاط نمایند. مثلاً در صورت مصرف بادام یا فندق، از انواع خام آن و به مقدار کم

مواد غذایی مفید در این فصل کدام اند؟

• توصیه می شود در فصل تابستان از خنکی جات (مانند آبدوغ خیار، ماست، خیار و کمی نان، سبزیجات خنک مانند خیار، کاهو، کدو خورشتی (سبز)، گشنیز، اسفناج، ماست و اسفناج) استفاده شود.

• توصیه می شود نوع غذاهایی که در تابستان مصرف می شوند، پختنی و آب پز باشد و غذاها کباب و یا سرخ نشوند. مصرف غذاهایی مانند آش، سوپ، خورش سبزیجات که سبزی آن ها سرخ نشده باشد، حیوالت آن کم بوده، مقدار زیادی گوشت نداشته باشند، کمی ترش باشند مثلاً با غوره، آب غوره، آبلیمو، لیمو و نارنج تهیه شده باشند، مخصوصاً سوپ جو و آش جو (به دلیل خنک بودن) بسیار مفید بوده



و از بهترین غذاها برای رفع عطش و حرارت بدن می‌باشند.
• مصرف مرکبات و میوه‌جات میخوش یا ملس (پین ترش و شیرین) مانند زرشک و آب زرشک، شاه‌توت، تمشک، سیب ترش، آلبالو، گوجه‌سبز، انار، هلو، زردآلو، هندوانه و گریپ‌فروت بسیار مفید است.
• مصرف سالادها در این فصل بسیار توصیه می‌شود، زیرا معمولاً مزاج‌های سرد و تر دارند (کاهو، خیار، آب‌لیمو و ...).
خوردن ترشیجات در این فصل مفید است، به شرط اینکه ترشی خیلی تند نشده باشند که در این صورت، حرارت آن‌ها بالا می‌رود.
• مصرف کافی آب، لبنیات مانند دوغ و ماست مفید است.
• مصرف گوشت‌های سفید نسبت به گوشت‌های قرمز در این فصل مناسب‌تر است.
گوشت‌های سفید (مانند مرغ و ماهی) گرمای کمتری دارند، مخصوصاً ماهی که با داشتن مزاج سرد و تر، برای این فصل بسیار مناسب است به شرطی که خیلی سرخ نشده و ادویه‌جات تند نیز خیلی به آن اضافه نشود.



کاهش بوی بد بدن در تابستان

کاهش بوی بد بدن با اصلاح تغذیه ارتباط دارد. همان‌طور که ذکر شد در طب سنتی بهترین خوراکی‌های تابستانه خوراکی‌هایی است که ضمن برخورداری از اعتدال و لطافت و سبکی، طبع سرد و تر داشته و نیز غلبه بر صفرا باشند تا بتوانند محیط داخلی بدن را در حالت تعادل نگه دارند. در تابستان همه اخلاط به ویژه خلط صفرا برانگیخته می‌شوند و تولید آن نسبت به دیگر فصول سال افزایش می‌یابد، بنابراین آسایش بدن و دوری از گرما و در خانه خنک نشستن از دیگر توصیه‌های حکما برای تابستان است. همان‌طور که اشاره شد ورزش و حرکت خود باعث ایجاد گرمی در بدن می‌شود و این گرمی که به طبع فصل باری می‌رسد محرک اخلاط به ویژه خلط صفراست و می‌تواند به سوء مزاج منجر شود.
برای کاهش بوی بد بدن در تابستان باید از هر نوع خوردنی و آشامیدنی گرم و خشک پرهیز کرد. شربت سکنجبین، لیمو، غوره، هندوانه یا آب آن، آب‌غوره و میوه‌های تر (ترش و شیرین) مانند آلو و آلبالو و گیلانی را می‌توان به افراد توصیه کرد. برخی افراد هم از زاج سفید استفاده می‌کنند اما باید بدانید که استفاده نادرست از زاج سفید در زیر بغل می‌تواند باعث سوختگی پوست شود.

منبع

دنیای تغذیه - دکتر سید مهدی میرغضنفری
ایبنا - دکتر روشک نفیس، متخصص طب سنتی





از دواج آسان

روش و منش معصومین علیهم السلام

اسلام با رویکردی مثبت به تبیین تقدس خانواده پرداخته است متون دینی نشان می دهد که ازدواج و تشکیل خانواده در مکتب اسلام قداست دارد و از جایگاهی بسیار والا برخوردار است این حقیقت با تعبیرهای مختلف و در قالب های گوناگون بیان شده که شناخت آن برای افراد ضرورت دارد.

از دواج از دیدگاه آیات و روایات

و «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَعَمَرَتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهَا لِنِ اتِّبَتْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد ، تا در کنار او بیسایند سپس هتکلی می که با او آمیزش کرد ، حملی سبک برداشت ، که با وجود آن ، به کارهای خود ادامه می داد و چون سنگین شد ، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «گر فرزند صالحی به ما دهی ، از شاکران خواهیم بود»^۲

به خوبی بیان شده است که اگر در انتخاب همسر به این نکات مهم توجه شود، نتیجه آن همان مودت و رحمت الهی برای همسران خواهد بود و در وسعت بیشتر با داشتن خانواده سالم اجتماع سالم شکل خواهد گرفت و جامعه اسلامی مشکلات نسل امروز را نخواهد داشت.

انتخاب مطلوب، از دواج مطلوب

۱. فراهم کردن زمینه ازدواج آسان

زمینه ازدواج آسان را که نتیجه مطلوب و صد در صد آن به مودت و رحمت رسیدن است و خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالْعَالِيَيْنَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید ، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند ، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است»^۳

همه می دانیم که نتیجه ازدواج با توجه به ارزشمندی و کارایی و تأثیر آن در انسان، ازدواجی دارای قدس است که محل عبارت بندگان در آن اجتماع کوچک باشد و این مهم مسبر نمی شود مگر آنکه زوجین اهداف والای انسانی خود را پشناسند و در ازدواج بخصوص زمان انتخاب همسر با شیوه های مناسب همسر گزینی کنند اگر انتخاب معیارهای ازدواج با هدف قرآن کریم و روایت اسلامی تطابق پیدا کرد یا نزدیک به آن معیارها باشد، نتیجه آن هم همان است که خداوند تبارک و تعالی برای بشر در نظر گرفته است.

ضروری است ابتدا در مورد معیارهایی که قرآن کریم در مورد انتخاب همسر فرموده ارایه مطلب شود.

بطور خلاصه معیارهای انتخاب همسر در قرآن کریم با تصریح «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» و از جمله نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرایی آفرید تا در کنارشان آرامش پلید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت تا نسل بشر را تداوم بخشد به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است بر این که تدبیر امور انسان ها در اختیار خداوند است»^۱

شماره

پیشری / تابستان ۹۶ / شماره ۶



یعنی برای بردگان و کنیزان زمینه ازدواج را فراهم کنید. تا خداوند از فضلش آنها را غنی سازد.

آخر آیه واسع علیم دست خداوند در روزی دهی باز است. فراهم نمودن شرایط ازدواج آسان توجه به این آیه مبارک است و توکل و اعتماد به خداوند تبارک و تعالی که اگر شما هدفتان از ازدواج این باشد که به وسعت روزی برسید البته وسعت روزی فقط در مسائل مادی نیست بلکه بهترین روزی انسان همان آرامش است که باعث بندگی می شود در واقع در خانواده مطلوبه شرایط بندگی آسان با همکاری و همدلی زوجین فراهم می شود وقتی که پیامبر گرامی اسلام (ص) پس از ازدواج دختر گرامیش حضرت فاطمه (س) از حضرت علی (ع) می پرسند فاطمه را چطور یافتی؟ می فرماید: «او همکار و همدلی مناسب در بندگی و اطاعت خداست».

پس اگر هدف ازدواج این است که به این نتیجه برسید باید که معیارهای انتخاب همسر هم همان باشد که قرآن کریم بیان فرموده است.

۲. هم کفو بودن در ایمان

موضوع دیگری که اسلام بسیار به آن بها داده و هدف مهم ازدواج بیان کرده فقط توجه به این دنیا نیست بلکه توجه به نتیجه ازدواج در دنیا و آخرت است.

قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَئِنَّمَا مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُنْكَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعْجِبُكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى الْفِتْرِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ يَذِّه وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» با مشرکان ازدواج نکنید حتی اگر شما را به اعجاز وا دارند یعنی بسیار زیبا باشند، ثروتمند دارای امکانات مادی بسیار باشند، موقعیت اجتماعی بالایی داشته باشند زیرا آنان دعوت به آتش می کنند» ۴

بلکه زوجین باید هم کفو باشند پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «المومن کفو للمومنه والمسلم کفو للمسلمه» «مرد مؤمن همتا و همپایه زن مؤمن است و مسلمان نیز همتا و همپایه زن مسلمان است».

آنچه باید به آن توجه کرد، ایمان و تقوای فرد است که مورد ارزش است زیرا در این ازدواج نتیجه دوری از آتش دوزخ و رستگاری خانواده است بخصوص در مورد مردان که انتخاب کننده هستند و مدیریت و هدایت خانواده را بسوی نور به عهده دارند این مسئله مهم بسیار ضرورت دارد.

و هر مردی مسئول است که خانواده خود را از آتش نجات دهد پس اولین معیار انتخاب همسر هم کفو بودن در ایمان است.

۳. عقل سلیم

در روایات معتبر ما فرموده اند به مردان شریاخواه دختر ندهید هیچ روایتی در مورد زیبایی مرد و جذابیت ظاهری، شغل و درآمد، ماشین، ویلا، خانه، ثروت و موقعیت اجتماعی او صحبت نکرده، بلکه سلامت و رستگاری خانواده را در عقل سلیم مرد می بیند.

زیبایی مرد عقل اوست که در اثر شریاخواهی از بین می برد. و در واقع از زیبایی زن، ثروت و موقعیت او و پدر او صحبتی نشده بلکه از هم کفوی در ایمان آنان سخن گفته شده است. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْغَائِبِينَ وَالْغَائِبَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکبیا و زنان صابر و شکبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان اتفاق کننده و زنان اتفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است» ۵

۴. اخلاق نیکو

موضوع دیگر انتخاب همسرانی که اخلاق نیکو داشته باشند تا زمینه ازدواج مناسب فراهم شده باشد و خانواده را به هدف ولای انسانی رهنمون کند. اخلاق حسنه (پنار و گذشت، خشرویی، مهربانی، محبت، رازداری، همراهی و همگامی و همدلی همسران، احترام متقابل به خانواده هر دو) را شامل می شود.



امام رضا علیه السلام فرمود: _____
 وقتی که از دین و اخلاق خواستگار را از _____ می‌بودید
 به ازدواج با او را از _____ می‌باشید
 و به خاطر فقه _____ میر بودنش او را رد نکندید

میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۰

در ازدواج دختران و انتخاب همسر باید به این اصل مهم هم توجه کرد
 منظور در آمد بالا و کلان و داشتن تجملات نیست بلکه اثر روزی حلال
 بر زندگی و اهالی خانواده است که در نهایت همان مودت و رحمت و
 آرامشی هست که برای خانواده به ارمغان می‌آورد.
 به امید آنکه خانواده‌ها به توصیه‌های قرآن کریم در زمینه انتخاب
 همسر توجه کنند تا نتیجه ازدواج مطلوب و خدایندانه باشد و
 رستگاری و آرامش را در جامعه انسانی سبب شود.

پی‌نوشت

۱. روم/ ۲۱
۲. احزاب/ ۱۸۹
۳. نور/ ۲۲
۴. بقره/ ۲۲۱
۵. احزاب/ ۲۵



امروزه متأسفانه بیشترین معیارهای مورد توجه، مادی می‌باشد که
 نتیجه آن عدم توجه به معنویت و نامتناسب با روحیه انسان‌ها
 است که منجر به آرامش و مودت و محبت نمی‌شود انسانی که به
 همه چیز توجه کرده بدون آنکه اصل هدف ازدواج که رسیدن به
 آرامش و همدلی است، فراموش شده و نهایتاً دور شدن از ازدواج و
 بالا رفتن سن ازدواج است، ازدواج‌های تجملاتی در همه زمینه‌ها،
 چشم و هم چشمی و نادیده گرفتن محرمات و حدود اسلامی
 منجر به عدم آرامش انسان در زندگی شده و همه هم و غم جوانان
 در بدست آوردن مادیات و رضایت مادی همدیگر شده است و
 خستگی و بی‌انگیزگی بعد از ازدواج امروزه عمده‌ترین معضل
 خانواده‌هاست و سختی و ایراد خانواده‌ها در انتخاب همسر
 مناسب (بدون توجه به معیارهای اسلامی و انسانی) آرامش را از
 انسان امروز گرفته است و بیماری‌های متعدد جنسی و روانی را از
 جوانی به آنان داده است، نشاط و صمیمیت و همدلی رخت بر بسته،
 فرزند پروری کاهش یافته، زنان و مردان از فطرت انسانی خود دور
 شده‌اند.

۵. شغل و درآمد حلال

البته موضوع شغل یا درآمد حلال در روایات و احادیث اسلامی
 بسیار تأکید شده است، حلال بودن روزی برای خانواده و اثر آن در
 تربیت فرزندان، همان روزی مطلوب و گوارایی هست که خداوند
 کریم به مرد مسئولیت داده است و در بدست آوردن آن از طریق
 تلاش و کوشش امر فرموده است.
 بدست آوردن روزی حلال، رحمت الهی را نصیب خانواده می‌کند.

ویژگی‌های ابراهیمی حج



ماه ذی الحجه الحرام، ماه مهمانی خدا، ماه وصال عاشقان به معشوق در راه است. حج گزاران که به مهمانی خدا دعوت شده گنداماده می شوند تا در ضیافت خاص الهی شرکت جویند. آنان که به ندای ابراهیم خلیل الرحمن لبیک گفته اند، به سفری عازم اند که همه شعور و آرزوست؛ آرزوی رسیدن به معشوق تا با طواف کعبه عهد و پیمان با ابراهیم بت شکن ببندند که دیگر جز کعبه به گرد چیزی نگردند و با کشتن قربانی در منا، همه مظاهر غیرالهی را سرب برند و با پرتاب سنگ به سوی شیطان، از هر چه رنگ غیر خدایی و شرک دارد برالت جویند و با شرکت در اجتماع پر شکوه و کنگره عظیم حج تمام عوامل اختلاف انگیز را کنار گذاشته، در برابر کفر جهانی یگانه شوند و با وحدت خود، عزت اسلامی را نمایش داده، پشت کفر را بلرزاند.

اسلامی بر گرد محور توحید و برالت از مشرکین و نفی و طرد همه بت ها است و بت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده افراد بشر را در اختیار بگیرد، حال چه سنگ و چوب، و چه قدرت های شیطانی سلطه گر و جبار، و چه عصبیت های جاهلی و ناحق.

با اندک تأمل در منابع حج در قرآن و سنت و سیره مبارک پیش روان مکتب توحید به خوبی درمی یابیم که آثار و منافع این فریضه عظیم الهی بیش از آن است که بتوان کاملاً بیان کرد.

قرآن کریم می فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارک و هدی للعالمین» نخستین خانه ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.

و در آیه دیگر، خانه خدا را عامل قیام و پایداری مردم معرفی کرده است «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیلاً للناس»؛ خداوند کعبه بیت الحرام را وسیله استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است.

ویژگی های حج ابراهیمی

حج از جمله دستورات اسلامی است که دو ویژگی فردی و اجتماعی مهم را به دنبال دارد:

الف: ویژگی فردی حج، ایجاد نوعی رشد معنوی در انسان هاست که به سختی می توان آن را در عبادت واجب دیگر جستجو نمود.

البته طبیعی است که هر شخصی به اندازه توانایی های خود، خواهد توانست بهره های لازم را از این عبادت بزرگ الهی دریافت نماید. چنانکه امام صادق، درباره ثمرات و فوائد حج واجب چنین میفرماید:

از گنجینه های نهفته در کلام الهی، مراسم باشکوه حج است که هر چه بررسی و تحقیق در اطراف آن بیشتر گردد، معارف و رموز و اسرار آن آشکارتر می شود.

حضرت امام خمینی (رحمه الله) احیای حج ابراهیمی در پیامی به حجاج بیت الحرام فرمود: «هدیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند... از صدف این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا بد سیراب خواهند گشت»^۱

پیامبر گرامی اسلام (ص) در یک بیان نورانی، حج را عصاره اسلام و معادل شریعت دانسته است؛ چنان که وارد است: «والخلاصة الحج و هی الشریعة»^۲

همچنان که مرحوم شیخ صدوق در کتاب شریف خصال، ضمن اشاره به این روایت فرمود: «قد جاء فی تعلیل الرسول للحج ضمن تعلیله لاسائر الفرائض بانه معادل لتمام الشریعه»^۳

پس حج نمونه و مدل کوچکی از اسلام بزرگ است. گویا خداوند متعال اراده نمود که اسلام را در همه ابعادش در یک عبادت جای دهد تا حاجی کل اسلام را یک باره تجربه نماید.

مقام معظم رهبری هم چنین معتقدند، حج علوی و حج حسینی، حجتی است که در عین توجه به خداوند و توجه به حکومت الهی و قدرت او، پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران هم در آن هسته ایشان هر آن چه را که جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده بشر را در اختیار بگیرد، بت دانسته و می فرماید: «حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم (علیه السلام) است که گفت: (أَنْ لَّاهُ بَرَى مِنْ الْعُشْرَکِینَ)»^۴ صحنه اتحاد عظیم امت



«الْحَجَّاجُ يَصْتَرُونَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صَنَفٌ يَعْتَقُ مِنَ النَّارِ وَ صَنَفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذَنْبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ صَنَفٌ يَحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَنَازَكَ أَلْفِي مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ» ۷۲ امام صادق، فرمودند: حاجیان، با سه نوع پاداش الهی به خانه خود بازمی‌گردند: یک دسته از آتش دوزخ‌رها می‌شوند که گناه گذشته و آینده آنان بخشوده می‌گردد. و یک دسته از گناهان خود پاک می‌شوند مانند آن روزی که از مادر به دنیا آمده‌اند. و یک دسته از حیث مال و خاندان خود بیمه ایمنی دریافت می‌کنند، و این نازلترین پاداشی است که یک نفر حاجی دریافت می‌کند.

طبق احادیث اسلامی، حج، مایه تقویت دین، سلامتی بدن، فزونی رزق، استجابت دعا، رهایی از فقر، در خیر و خوبی به سر بردن، ایمنی از حساب در قیامت، آرامش جان، از بین رفتن غرور و تکبر، روی آوردن به خدا و بیرون آمدن از گناه است.

ب: ویژگی اجتماعی حج، برقرار ماندن مرکزیت واحدی برای تمام مسلمانان است، بگونه‌ای که این مرکز الهی، هیچ‌گاه نباید تعطیل و یا تضعیف شود. آنچه از سخنان معصومان (ع) برداشت می‌شود، این است که اگر نرفتن به حج، موجبات تضعیف حج را به وجود آورده، کعبه را خالی از جمعیت نموده و به جنبه اجتماعی حج، آسیب رساند، هیچ کار خبر دیگری نمی‌تواند جایگزین حج به شمار آمده و با هیچ بهانه‌ای نباید از آن، شانه خالی نمود. امام خمینی (رحمه الله) در این باره می‌فرماید:

«فریضه حج در میان فرایض، از ویژگی خاصی برخوردار است و شاید جنبه سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه های دیگرش غلبه داشته باشد، با آن که جنبه عبادی اش نیز ویژگی خاصی دارد»^۸ ائمه (ع) با توجه به این اهمیت، حج را وسیله تقویت دین الهی نامیده و کعبه را پرچم رفیع اسلام معرفی کرده‌اند. یعنی تا حج برپا است و عظمت دارد، دین الهی مقتدر و پرچم آن در اهتزاز خواهد بود.

علی (علیه السلام) می‌فرماید: «والحج تقویه للدين؛ خداوند متعال حج را مایه تقویت دین قرار داد»^۸

و در جای دیگر می‌فرماید:

«جعل الله سبحانه و تعالی للإسلام علما؛ ۹ خداوند پاک و بلند مرتبه حج را پرچم اسلام قرار داده است.»

چه پرچم نماد و نشانه بقای یک ملت و کشور و استقرار و پایداری آن است، لذا در میان تمام ملل و اقوام نشانه عزت و استقلال تلقی شده و آن را مقدس دانسته‌اند و برای نگهداری آن از گزند زمان و در افرشته داشتن آن فداکاری‌ها کرده‌اند. اسلام از این نیز فراتر رفته و بزرگ‌ترین نماد توحید و هدایت یعنی کعبه را پرچم معرفی کرده است تا امت را در زیر سایه خود جمع کند و از تفرقه نگه دارد و مسلمانان با قبله قرار دادن آن و طواف به دور آن این یگانه‌گی را عملی سازند. عظمت و عزت اسلام و استقلال مسلمانان در سایه این پرچم پرافتخار است، بنابراین باید همواره افراشته بماند.

طبیعی است این نقش در صورتی جامه عمل بپوشد که حج، با روح و تحرک انجام بگیرد و وحدت واقعی که جز با طرد بیگانه‌گان و دشمنان اسلام و برائت جستن از آن‌ها امکان نخواهد داشت به وجود آید. لذا دشمنان اسلام تلاش می‌کنند ایجاد اجتماعی و سیاسی حج برای مسلمانان تبیین نکرده و گاه حرکت سیاسی را در حج متناقض با روح معنوی حج می‌دانند و این یکی از دردهای بزرگ جامعه اسلامی است.

ویژگی حج از جهت زمان

الحجُّ أشهرٌ معلومٌ: ۱۰

حج، از جمله اعمالی است که باید در ماه‌های معین انجام پذیرد و به طوری که این ماه‌های معین در آیه حج مطرح شده است؛ مثل این که حج در همین ماه‌های معین است، ماه‌های شوال و ذی‌قعدة و چند روز از ذی‌حجه از ماه‌های حرام هستند که در اسلام محترم و دارای احکام ویژه‌اند.

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَغْلِبُوا فِيهِنَّ أَنْفُسُكُمْ» ۱۱

حج، علاوه بر این که مانند صوم در ماه معین انجام می‌گیرد، اما فرقی که با صوم دارد، این است که ماه‌های حج از ماه‌های حرام است که پیش خداوند محترم است؛ به علاوه، قضای روزه ماه مبارک رمضان در ماه‌های دیگر سال، قابل جبران است، اما حج چنین نیست و باید در همان وقت مشخص انجام پذیرد؛ از این رو، در آیه فوق، «شهر معلومات» حمل بر «الحج» شد یا آن‌که حج خود شهر معلومات نیست، بلکه اعمال حج در ماه‌های معینی انجام می‌پذیرد.

برگزاری حج امسال آری یا خیر؟

حج تعطیل پذیر نیست

به سبب نقش حیاتی و اهمیت حج است که در روایات منقول از معصومان (ع) به هیچ وجه تعطیلی آن روا دانسته نشده است و بر حکومت اسلامی در اقامه و برپاداشتن حج مسئولیتی ویژه مقرر شده که در هیچ یک از فرائض دینی بدین صورت نمی باشد و آن این که اگر مردم در رفتن به حج تساهل کنند بر حاکم اسلامی واجب است که الزاما آنان را به حج بفرستد و هر گاه توان مالی نداشتند از بیت المال هزینه سفر آنان را تأمین کند تا با اجتماع مسلمانان در حج عظمت و وحدت و عزت مسلمانان نمایش داده شود.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لو عطل الناس الحج لوجب علی الامام ان یجبرهم علی الحج ان شاءوا و ان ابوا فان هذا البیت وضع للحج ۱۲؛ اگر مردم حج را تعطیل کنند بر امام واجب است که آن هارا به حج اجبار کند چه بخواهند یا نه، زیرا این خانه برای حج قرار داده شده است» ۱۳ لذا در احادیث و متون دینی به آنان که حضور در مراسم حج و انجام فریضه الهی حج را ترک کنند هشدار داده شده که مستوجب هلاکت و عقوبت الهی خواهند شد مسلماً تارکن حج قبل از گرفتاری و عذاب آخرت، عذاب و بدبختی در دنیا را خواهند چشید و ذلت پراکنده را تحمل خواهند نمود.

جمعی از مراجع عظام تقلید حمایت خود از حج تمتع ۹۶ و اعزام زائران بیت الله الحرام را اعلام کردند.

حجت الاسلام والمسلمین سید علی قاضی عسکر نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت، حمید محمدی رئیس سازمان حج و زیارت به همراه معاونان این سازمان با مراجع عظام تقلید در قم دیدار کردند.

مراجع عظام تقلید در این دیدارها بیاناتی درباره حج تمتع ۹۶ ایران کردند که گزیده از آنها به شرح ذیل است:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

عدم‌ای از تعطیلی حج خوشحال بودند، آنها کسانی بودند که اعتقادی به حج نداشتند و مایل بودند که چهره نظام اسلامی مخدوش شود و الحمد لله ناکام شدند، خدا را شکر می کنیم که بالاخره حج راه افتاد، درست است که این عمل با مشکلاتی همراه است، اما نبود حج با ضایعه همراه است.

آیت الله العظمی سیستانی:

فریضه حج واجب و مورد تأکید دین مبین اسلام است و زائرین نسبت به این موضوع توجه دارند.

آیت الله العظمی وحید خراسانی:

امنیت ضیوف الرحمان از سوی خداوند متعال تأمین شده و خدمت به حجاج توفیق بزرگی است.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

افرادی که در فضای مجازی و در سخنان خود ایجاد رعب و وحشت در

دل حجاج می کنند، اصلاً عقیده به این فریضه ندارند. حج بر هر فرد مستطیع واجب است و باید آن را به جای آورد. باید به حج برویم و آن را حفظ کنیم.

آیت الله العظمی توری همدانی:

خطاب به مسئولان حج: همه منتظر بودند مزده بر گزار شدن حج را بشنوند و شما کار خیلی خوب و بزرگی کردید.

نظر رهبر انقلاب و مراجع تقلید درباره شرایط استطاعت حج امسال

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به این سوال که «با توجه به حوادث پیش آمده در حج سال ۱۳۹۴ و خوفی که برخی از افراد در این زمینه دارند، آیا شرایط استطاعت محقق است؟ اعلام کردند: «بسمه تعالی، مجرد آنچه ذکر شد مانع از تحقق استطاعت نیست».

پی نوشت

۱. محبیه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶.

۳. خصال، ج ۲، ص ۲۲۷.

۴. توبه / ۳.

۵. آل عمران / ۹۶.

۶. مائده / ۹۷.

۷. کنزی، تکلفی، ج ۴، ص ۲۵۳.

۸. نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۲۴۴.

(فیض الاسلام) و ۲۵۲ (صبحی صالح).

۹. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۱۰. بقره / ۱۹۷.

۱۱. توبه / ۲۶.

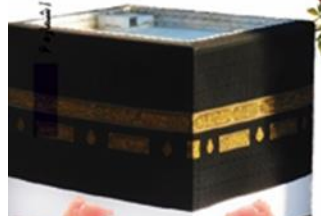
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۵.

حدیث ۱ و احادیث دیگر از باب ۵.

۱۳. همان، ص ۱۳، احادیث باب ۴.

منبع

نشریه پاسدار اسلام شماره ۲۲۰





نشانه‌های امام

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «للامام علامات: يكون اعلم الناس واحكم الناس واتقى الناس واحلم الناس واشجع الناس، واسخى الناس واعبد الناس» و«يكون مطهرا و«بري من خلفه كما يري من بين يديه»^۱

امام دارای نشانه‌هایی است: او داناترین مردم، بهترین انسانها در قضاوت، با تفاوت‌ترین مردم، بردبارترین مردم، شجاع‌ترین مردم، سخاوتمندترین مردم و عابدترین مردم می‌باشد. و پاکیزه از گناهان و معصوم است و از پشت سر همچون از پیش رو می‌بیند.^۲

امام رضا علیه السلام در حدیث فوق، نه نشانه را برای امام بیان می‌کند. البته امام نشانه‌های دیگری نیز دارد، از جمله:

۱. امام محدث است؛ یعنی، صدای ملک را می‌شنود ولی او را نمی‌بیند. به فرموده امام هشتم علیه السلام رسول آن است که جبرئیل بر او نازل می‌شود و او جبرئیل را می‌بیند و سخنش را می‌شنود. نسی گاهی سخن جبرئیل را می‌شنود و گاهی خودش را می‌بیند. «والامام هو الذي يسمع الكلام ولا يري الشخص»^۲ و اما امام کسی است که سخن ملک را بشنود ولی شخص او را نبیند.^۳

۲. امام دارای علم الهی و مؤید به روح رحمتی است. امام هشتم علیه السلام فرمود: «ان الامام مؤيد بروح القدس وبينه وبين الله عمود من نور يري فيه اعمال العباد وكلما احتاج اليه لدلالة اطلع عليه»^۳ امام با روح القدس تأیید شده و بین او و خدا ستونی از نور است که در آن رفتار بندگانش را می‌بیند و هرگاه برای راهنمایی افراد به آن احتیاج پیدا کند، بر آن راهنمایی آگاهی می‌یابد.

پی نوشت

۱. شیخ حر عینی، التنبیه، ص ۱۲۶، ر: کد: بداية المعارف، محمد رضا مظفر، شرح از سید محسن خراسی، ج ۲، ص ۴۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۸، روایت ۲.

۳. التنبیه، ص ۱۲۲، بداية المعارف، ج ۲، ص ۵۰.



شاه چراغ

دل برده ز دهر، خط و خال شیراز
دنیاست و حسرت وصال شیراز
با شاهچراغ، روز و شب محشورست
این چیز کمی ست؟ خوش به حال شیراز
صبح است و ندای رنای می‌آید
گلپاگ خوش خدا می‌آید
از میهن شعر و شور و عشق و عرفان
بوی خوش «مشهد الرضا» می‌آید

رضا اسماعیلی



امام هشتم و عنایت به یک مبلغ



شیوایی بیان و زیبایی گفتار برای هر کسانی لازم و مفید است، اما این موهبت الهی در گویندگان و سخنرانان بویژه مبلغین مذهبی نه تنها یک امتیاز محسوب می‌شود، بلکه یکی از عوامل توفیق در امر تبلیغ است. برای کسانی که در مقام تبلیغ و عرضه دین هستند ضروری است که از بهترین و زیباترین گفتارها در قلبی روان و شیرین بهره گیرند و نتایج موفقیت آمیز آن را شاهد باشند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ» فصاحت زینت و آرایش سخن است.

مرحوم حاج محقق، واعظ معروف، در اوایل تبلیغ از شیوایی بیان و گفتار کاملاً بی بهره بود. هر جا برای تبلیغ می‌رفت، مردم عذر او را می‌خواستند! او مصمم بود که این راه را ادامه دهد اما موفق نمی‌شد. پس از قدری تأمل، تنها راه چاره را در استمداد از امام رضا علیه السلام دید. پس به مشهد مقدس عزیمت کرد و در کمال خلوص به حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام مشرف شد. در ضمن زیارت، و در حالی که به اوج انقلاب روحی رسیده بود آن حضرت را به فرزند بزرگوارش حضرت جواد علیه السلام قسم داد تا گشایشی برای قدرت بیانش حاصل شود.

در طواف تو مثل پروانه
تا نگاهم کنی تو را سوگند
هستم را به یاد خواهم داد
به عزیزت جواد خواهم داد

پس از عرضه این خواسته به محضر امام هشتم علیه السلام، ناگاه احساس می‌کند که شیوایی خاصی در بیان و گفتارش پدید آمده است. او از آن روز به بعد از آن قدرت بیان، بهره‌ها گرفت و سالیان سال با موفقیت تمام به تبلیغ دین و به هدایت مردم پرداخت.

توسل پاشگان، ص ۱۷۴.

دخت آفتاب



خفته در خاک قم یکی گوهر
آفتاب عفاف و شرم و حیا
چشمه سار حقیقت و ایمان
بانوی بانوان اهل یقین
مکتب اوست مکتب توحید
حرمش قبله گاه اهل خرد
عصمت اوست شهره در افاق
فاطمه نام و فاطمی شوکت
هست معصومه کنیه پاکش
می‌کند فخر بر چنین دختر

گوهری تابناک و نیک اختر
مشعل راه عصمت و تقوا
معنی شور و عشق و اطمینان
رحمت کردگار روی زمین
جلوه اوست جلوه جاوید
هر که در راه علم ره سپرد
چون که بسته است با خدا میثاق
زینبی سیرت و علی صولت
که بلند است عزم و ادراکش
پدری همچو موسی جعفر
علی برت پور



ستاره ها همه بی تاب دیدن داماد

فرشته ها سرشان گرم کار و... میکائیل
به فکر پخت و پز سور و سات مهمانی ست
درون سفره پی ناب و ساغر آوردند
کلیم و خضر دلی از عزا در آوردند
ستاره ها همه بی تاب دیدن داماد
گرفته اند حسودان کوز دل، غمباد
وضو گرفته و با احترام باید گفت:
جناب حضرت دلمادا شاخه ی شمشادا
تمام آینه های مدینه غش کردند
نگاه فاطمه تا در نگاه شان افتاد
کلید باغ جنان را خدا مراسم عقد
به این عروس سر سفره زیر لفظی داد
ترانه ی لب دلوود خوش صدا این است:
علی و فاطمه پیوندتان مبارک باد!
خدا به حور و ملک گفت تا که دف بزنند
بس است گفتن تسبیح و ذکر، کف بزنند
وحد قاسمی

فضای شهر مدینه دوباره روحانی ست
نماز پنجره هایش چقدر عرفانی ست
مگر چه عید یزگی رسیده که امشب
در آسمان و فلک جشن نور افشانی ست
عجب شبی! همه جا ریشه بسته جبرائیل
عجب شبی! همه ی کهکشان چراغانی ست
ولیمه می دهد امشب پیمبر رحمت
چقدر سفره ی این بزم بهن و ملولانی ست!



میان این همه حاجی کجاست حاجی زهرا!



به کعبه روی نهادم که دور یار بگردم
کجای خانه به دنبال آن نگار بگردم
میان این همه حاجی کجاست حاجی زهرا
که هر نفس به فدایش هزار بار بگردم
مقام و زمزم و رکن و حطیم را همه گشتم
کنار حجر روم، یا به مستحجر بگردم؟
میلان خلق دویدم که در کنار تو باشم
بگو چقدر به هر گوشه و کنار بگردم
دل گرفته بگو ای عزیز فاطمه تا کی
تو را نبینم و بر گرد این چنار بگردم؟

به شوق این که فقط زیر سایه تو بمیرم
چو آفتاب به هر کوه و کوهسار بگردم
اگر چه گرد رهم با نسیم در به درم کن
که در هوات به هر شهر و هر دیار بگردم
خدا گواست که نومید نیستم ز وصال
اگر چه دور تو تا دور روزگار بگردم
به انتظار قسم با خود این قرار نهادم
که در هوای تو تا وقت انتظار بگردم
عنایتی که همه عمر «میشم» تو بمنام
بسان میشم تو دور چوب دار بگردم

غلامرضا سازگار

عیدفر خنسنده ی نورانی قربان آمد

ای عزیزان به شما هدیه ی زبانه ی زدن آمد
عیدفر خنسنده ی نورانی قربان آمد
حاجیان سعی شما شد به حقیقت مقبول
رحمت واسعه ی حضرت سبحان آمد
عیدفریان به حقیقت... زخاندانند کریم
آفتابی به شب ظلمت انسان آمد
جمله دلها چو کویری ست پر از فصل عطش
بر کویر دل ما... نعمت باران آمد
خاک می سوخت در اندوه عطش با حسرت
نقش در سینه ی این خاک: گلستان آمد
امر شد تا که به قربانی اسماعیلش
آن خابلی که پذیرفته ز رحمان آمد
امتحان داد به خوبی بخدا ابراهیم
جای آن ذبح عظیمی که به قربان آمد
آن حسینی که ز حج رفت سوی کربلا
به خدا پهر سر افرازی قربان آمد

سید محمد رضا هاشمی زاده



خداوند



هنگام دعا از

چه بخواهیم



عرفه، روز معرفت و شناخت و روز خودشناسی و خداشناسی است.

عرفه، روز رحمت و مغفرت الهی است. روز بهره گیری از رحمت واسعه الهی است، هر کس به اندازه معرفت و شناختش، باید دست راز و نیاز به سوی حضرت حق بلند کند و مناجات و استغفار نماید.

دعای عرفه امام سجاد علیه السلام

به جز دعای مشهوری که مؤمنان در روز عرفه می خوانند، دعای شریف دیگری نیز از امام سجاد علیه السلام با همان مضامین نورانی روایت شده که چهل و هفتمین دعای صحیفه سجاده است.

خداشناسی

امام سجاد علیه السلام در این دعای شریف به تناسب های گوناگون، از برخی از اسمای الهی نام می برد که برخی از آنها عبارت اند از: «الاحد المتفرد، الفرد الکرم، المتکرم، العظیم، المتعظم، الکبیر، المتکبر، العلی، الشدید، الجلال، الرحمن، الرحیم، الحکیم، السميع، البصیر، القدیم، الخبیر، الاکرم، الذکرم، الاووم، الاول و الآخر».

امام شناسی

بدون امام شناسی درست، نمی توانیم از توحید حقیقی بهره مند گردیم و شاید یکی از زمینه های انحراف به سوی مکتب های انحرافی و جریان های ممنوعیت گرای نوظهور که با نام عرفان خود را بر جوانان و دل های عاشق معارف توحیدی عرضه می کنند و در حقیقت لغزشگاه خطرناکی برای علاقه مندان به عرفان شمرده می شوند، همین عدم درک درست از امام و نقش او در رسیدن به توحید و درک عرفان ناب است.

یکی از مباحث مهمی که در دعای عرفه امام سجاد علیه السلام مطرح گردیده، ویژگی های امام است که برخی از آنها را برمی شمیریم:

۱. برگزیدگان: «الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لَامِرًا كَسَافِيَّ أَنْفَارٍ» برای امر و فرمان خود برگزیدی.
۲. خزانه داران علم الهی: «وَجَعَلْتَهُمْ خَزَائِنَ عِلْمِكَ» و ایشان را خزانه داران علم خود قرار دادی.
۳. حافظان دین: «وَحَفِظْتَ دِينَكَ» و حافظان دینت.
۴. خلیفه الله: «وَوَلَّيْتَهُمْ فِي الْأَرْضِ» و جانشینان تو در زمینت.
۵. حجت ها الهی: «وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِكَ» و حجت های خویش بر بندگانت.
۶. عصمت و طهارت: «وَوَلَّيْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَالنَّجَسِ تَطْهِيرًا» و پادشاهان و آنها را به خواست خود از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی.
۷. وسیله نجات: «وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ» و ایشان را وسیله راهیابی به سوی خود و راه بهشت خویش گردانیدی.
۸. پناهگاه مردم: «فَهُوَ عِصْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ» پس اوست نگهدارنده پناهگاه اهل ایمان.
۹. پناهگاه اهل ایمان: «وَوَلَّيْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى جَنَّتِكَ» و پناهگاه اهل ایمان.
۱۰. حبل الله: «وَوَلَّيْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى جَنَّتِكَ» و دستاویز جنگ زدگان.
۱۱. مصداق جمال الهی: «وَوَلَّيْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى جَنَّتِكَ» و جمال و نیکی جبهانین.



هنگام دعا از خداوند چه بخواهیم

یکی دیگر از درس های امام سجاد علیه السلام آن است که هنگام دعا از خداوند متعالی چه بخواهیم که به آن اشاره می کنیم:

۱. نعمت ولایت: «وَتَوَكَّلْ بِمَا تَتَوَكَّلُ بِهِ أَهْلَ طَائِفَتِكَ» و مرا سرپرستی فرما به آنچه به آن سرپرستی می فرمایی کسانی که تو را اطاعت و فرمان بری نموده اند و نزد تو دارای قرب و منزلت هستند.
۲. درخواست مهلت برای توبه و طهارت: «وَلَا تَسْتَعْجِلْنِي بِإِعْلَانِكَ لِي اسْتِغْرَاجٍ مِنْ مَعْنَى خَيْرِ مَا عِنْدَكَ» و به وسیله مهلت دادن خود به من کم کم سرازور عقلم مفرما.
۳. درخواست بیداری: «وَتَبَهِّئْنِي مِنْ رُفْدَةِ الْغَافِلِينَ» و سببه السرفین، وَ نَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ؛ و مرا از خواب بی خبران و از خواب الودگی اسراف کنندگان و از چرت زدن خوارشدگان بیدار نما.
۴. توجه و حضور: «وَحُذِّ بَقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتُ بِهِ الْفَقِئِينَ» و دلم را متوجه کن به آنچه اطاعت کنندگان را به آن یادداشته ای.
۵. درخواست قرب: «وَأَعِزَّنِي مَعَ يَابَعَتِي عَنكَ» و مرا پناه ده از آنچه از تو دورم می گرداند.
۶. آسانی در شناخت و ورود در راه های خیر: «وَسَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ» و راه های خیر به سوی خودت را بر من سهل و آسان فرما.

۷. نجات از فتنه: «وَنَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتَنِ» و از گرداب ها و سختی های پلajtانم ده.

۸. حفظ قلب: «وَأَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْدَجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ» و دلم را به بازایستادن از زشتی های ناپسند و رسوایی های گناهان بیوشان.

۹. زدودن قلب از دنیا دوستی: «وَأَزِغْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَةِ نَهْمِي غَمًّا عِنْدَكَ» و دوستی دنیای پست که مرا از آنچه نزد تو است منع می کند و از طلبیدن وسیله به سوی تو باز می دارد از دلم برکن.

۱۰. درخواست رستگاری هنگام دیدار خداوند: «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنُنِي لِلْفَلَاحِ» و روزی که مرا برای دیدار خود برمی انگیزی، خوار و شرمنده مکن.

۱۱. شوق دیدار: «وَأَجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ» و توجه و رواروردم را به سوی خود بالاتر از اشتیاق مشتاقان قرار ده.

۱۲. حیات طیبه: «فَأَحْيِنِي حَيَوَةً طَيِّبَةً تَنْتَعِلُ بِمَا أُرِيدُ» پس مرا زنده دار به حیات طیبه ای که به آنچه می خواهم پیوسته شود.

۱۳. عزت و سربلندی: «وَذَلِّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ» و مرا در درگاهت خوار و مطیع، و نزد افریدگانت عزیز و لرحمند گردان.

۱۴. در پناه الهی از شر دشمنان: «وَأَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ» و از شماتت و شادی دشمنان پناهم ده.

۱۵. آبادانی شب: «وَأَعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْرَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ» و شیم را بوسیله بیدار داشتنم برای عبادت خود آباد گردان.

۱۶. کینه نداشتن نسبت به اهل ایمان: «وَأَزِغْ الْغُلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ» و کینه داشتن نسبت به اهل ایمان را از دلم برکن.

۱۷. اطمینان قلبی و توکل: «وَأَجْعَلْ قَلْبِي وَاقِعًا بِمَا عِنْدَكَ» و دلم را به آنچه نزد توست مطمئن گردان.

۱۸. پشتیبانی نکردن ستمگران: «وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَلِيمًا» و مرا پشتیبان ستمگران قرار مده.

منبع: اسرار، مصطفی، ۱۳۷۶. دانشنی های صحیفه سجاده، تهران: انتشارات محیا چاپ دوم.

پارسه خواجه محمد، ۱۳۸۱. فصل الخطاب: تصحیح: جلیل مسگرزاد، تهران: نشر دانشگاهی.

ملکی تبریزی، میرزا جواد، ۱۳۷۵. الفرائد، ترجمه: ایرلعیم محدث بناروشی، قم: نشر اخلاقی چاپ نخست.



مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) داراب جلسه تبلیغی ماه مبارک رمضان را با حضور طلاب، استادان و مسئولان برگزار کرد.

((حجه الاسلام علی کارجو)) استاد حوزه ضمن اشاره به جایگاه مبلغ اظهار داشت:

تبلیغ یکی از اثر گذارترین عامل در استحکام دین اسلام می باشد و بر همین مبنا مبلغ در قیامت جایگاه بسیار رفیعی دارد و زمانی که پرونده خود را مشاهده می کند ثواب های بسیاری را در آن می بیند که همه نشأت گرفته از تبلیغ او در دین خدا می باشد.



شرکت طلاب در مراسم رحلت امام (ره)

اعزام ۶۰ نفر مبلغ در ماه رمضان و برگزاری نهفت قرآنی



تلاوت روزانه یک جزء از قرآن کریم در ماه مبارک رمضان

و برگزاری مراسم افطاری به مدت ۱۵ شب



مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) داراب

دوره تربیت مربی تجوید قرآن کریم ویژه ۴۰ نفر از طلاب و دانش آموزان با حضور خاتم عزت پژوه استاد
داور بین المللی قرآن کریم برگزار کرد.



برگزاری نمایشگاه حجاب و عفاف و اعزام مبلغ در هفته حجاب و عفاف



کلاس های تابستانه ویژه نونهالان، نوجوانان و جوانان

کلاس های قرآنی، کلاسهای آموزش مناجاتی ویژه نوکلان حسینی
و آموزش نقلی و ... توسط مبلغین حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س)
داراب برگزار می گردد.



نشست اخلاق پژوهشگری

در این جلسه «خاتم زهرا معصومی» مدیر مدرسه علمیه ضمن بیان ارزش و اهمیت اخلاق و رعایت آن در همه عرصه ها تاکید داشتند که باید اخلاق در صدر همه کارها قرار گیرد. در ادامه ایشان به تبیین جایگاه اخلاق و ارزش اخلاق در عرصه پژوهش پرداختند.

ایشان با ذکر روایت «مداد العلما افضل من دماء شهدا» فرمودند همان طور که خون شهید ابزاری است برای اعتلای کلمه حق و توحید و هدایت مردم، قلمی که در راه این مسئولیت به کار افتد و چنین نقشی را ایفا کند ارزشمند است. البته قلمی می تواند در مسیر شهید و شهید پروری باشد که با آن، انسان های زیادی تربیت شوند و در مسیر الهی و برای حفاظت از دین الهی بتوانند گام بردارند. ایشان اولین قدم برای انجام کار پژوهشی را داشتن انگیزه الهی و دومین قدم را مدد گرفتن از خداوند دانستند.

در ادامه ایشان با اشاره به سیره علما و عظمت آثار علمی برجای مانده آنان از جمله شهید اول و شهید ثانی و دیگر بزرگان به ویژگی های نوشته های آنان و اینکه با تحمل چه سختی هایی موفق به کتابت شدند سخن گفتند. در ادامه به نمونه هایی از اخلاق پژوهشگری از جمله: رعایت پاکي دل و جان، داشتن تواضع، برخورداری از حلم و بردباری در جمع آوری مطالب، صداقت داشتن و رعایت امانت داری و رازداری، داشتن نگاه نقادی به مطالب و... را به تفکیک توضیح دادند.



معرفی وبلاگ کانون پژوهش مدرسه فاطمه الزهرا (س) داراب

این وبلاگ به صورت گروهی و با مشارکت اعضای کانون پژوهش نور الهدی این مدرسه اداره می شود محتوای این وبلاگ شامل:

اصول مقاله نویسی، معرفی کتابخانه های دیجیتال، گزارش های پژوهشی مدرسه،

اصول نگارش تحقیق پایانی، معرفی کتاب در موضوعات مختلف، گنجینه موضوعات پژوهشی و... می باشد.

طلاب عزیز جهت استفاده از مطالب این وبلاگ می توانند به آدرس زیر مراجعه نمایند.

<http://kanoon-paj-darabkowsarblog.ir>



نتایج سیر مطالعاتی مهدویت اعلام شد.

معاون پژوهش مدرسه فاطمه الزهرا (س) داراب ضمن تشکر از همه شرکت کنندگان در سیر مطالعاتی ۶ ماهه مهدویت آسمانی

برگزیدگان ترم اول و دوم این سیر را به شرح ذیل را اعلام نمود.

برگزیدگان ترم اول سیر مطالعاتی در طرح پیشوای آسمانی

لیدا قائدی، ملیحه خرمی، فرزانه مختاری، زاده، حلیمه عسکری، ام البنین قربانی، زینب جوادی

برگزیدگان ترم دوم سیر مطالعاتی در طرح پیشوای آسمانی

حلیمه شکاری، ندا آثر بون، خورشید نصری، رقیه دهقانی، زهرا شاه محمدی، هاجر میرزایی، سکینه عسکری، حلیمه انصاری، حمیده

دلیر، زهرا حبی، طاهره فرهادی، سولماز قنبری، طیبه سادات حسینی، زهرا اکاگر، سهیلا چمران، وجیهه بهروزی



به همت معاون پژوهش حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب جزوه آموزشی روش های مطالعه تهیه و در بین طلاب

توزیع شد.



کارگاه مطالعه و یادگیری در مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) برگزار گردید.



(غدیر نجلی گاه ولایت)



جامع ترین

نرم افزار موبایل اندروید مربوط به

واقعه غدیر

ویژگی ها

آیات

مجموعه آیات در رابطه با امام علی (ع) امامت و خلافت و... در قرآن به همراه ترجمه، تفسیر و صوت آن

پرسش و پاسخ

نزدیک به ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون مسأله غدیر به صورت موضوع بندی شده

کتابخانه

بیش از ۴۱ عنوان کتاب

مقالات

بیش از ۱۱۹ عنوان مقاله در رابطه با موضوع غدیر

احادیث

فهرست کاملی از احادیث مرتبط با موضوع غدیر

اشعار

ارائه حدود ۷۰ قطعه شعر در رابطه با موضوع غدیر

کتاب الغدیر

متن کامل ۱۱ جلدی کتاب ارزشمند الغدیر به همراه ترجمه ۲۲ جلدی آن

کتبشناسی

معرفی حدود ۱۰۰ کتاب درباره غدیر به زبان فارسی و عربی و اردو

نوا و نما

۱۲ قطعه مولودی خوانی در مورد عید غدیر

گالری تصاویر

بیش از ۳۸۵ تصویر زیبا در گروه های غدیر، حرم هنری





در این حریم ذکر م، یاد ب و یا کریم است
دستم اگر چه خالیست، خرجم با کریم است

